



درس اول

Lesson One

۱۰ درسنامه گرامر

۳۶ تست های گرامر

۳۳ لغات درس

۳۷ تست های لغات

۵۲ لغات کلیدی و مهم

۵۴ چگونه متن بخوانیم

۶۲ کلوز تست و درک مطلب

۷۰ پاسخنامه کلیدی

۷۲ پاسخنامه تشریحی



تعریف تعیین کننده ها:

تعیین کننده ها کلماتی هستند که قبل از اسم یا گروه های اسمی میان و به دو صورت وجود دارن. گروهی هستند که موقعیت، شناس و ناشناس بودن اسم رو مشخص می کنند (حرف تعریف نامعین a/an، حرف تعریف معین the، صفت های ملکی و صفات اشاره) و گروه دیگری وجود دارند که درباره مقدار، تعداد و اندازه اون اسم اطلاعاتی رو در اختیار ما قرار میدن (تعیین کننده های نامعین کیفیت و اعداد).

تعیین کننده ها (Determiners):

همانطور که در فصل اول زبان دهم با برخی از تعیین کننده ها آشنا شدید امسال نیز با تعدادی از تعیین کننده های دیگه آشنا میشین که نشان دهنده کمیت، مقدار اسم و تعداد هستن که قبل از اون میان. لازمه که این موضوع رو بدونید که این تعیین کننده ها می تونن قبل از اسم قرار بگیرن. برای اینکه مطالب سال قبل رو به یاد بیارین من فهرست تعیین کننده هایی رو که خوندین و تعیین کننده هایی که امسال می خوانید را به طور خلاصه براتون اینجا آوردم.

1. حرف تعریف نامعین a/an و حرف تعریف معین the: the book
2. صفت های ملکی (my, your, his, her, its, our, your, their): my book
3. صفت های اشاره (this, that, these, those): that book, these books

اما امسال تعیین کننده های دیگری رو یاد می گیرید که شامل تعیین کننده های نامعین کمیت و اعداد هستن.

4. تعیین کننده های نامعین کمیت (صفات کمی): (some, a lot of, lots of, many, much, a few, a little, few, little)
5. اعداد (one, two, three, ...)

اسمهای قابل شمارش و اسمهای غیر قابل شمارش

اسمهای قابل شمارش (Countable Nouns):

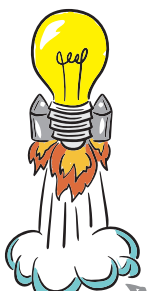
اسمهای قابل شمارش اسم هایی هستند که بشه اونهارو شمارش کرد. این اسم ها میتونن به دو صورت مفرد و جمع باشند. توجه داشته باشین که قبل از اسمهای قابل شمارش میشه از اعداد برای شمارش اونها استفاده کرد. مثلا اسم "کتاب". ما می تونیم بگیم یه دونه کتاب، دو تا کتاب، و الی آخر. این نکته رو به خاطر داشته باشین که اسم مفرد قابل شمارش، هیچ وقت به صورت تنها در جمله آورده نمیشه و حتما باید قبلش از تعیین کنندهایی مثل a، an و یا the استفاده بشه.

▶ I have a book. (Not: I have book)

اسمهای غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns):

اسم های غیر قابل شمارش اسم هایی هستن که قابل شمارش نیستن و نمیشه اونهارو شمرد. در نتیجه این گونه اسمها به صورت مفرد دیده میشن و صورت جمع ندارند. به طور مثال شما سیمان رو در نظر بگیرید. سیمان ماده ای هستش که در ساخت و ساز ازش استفاده میشه و به شکل پودر وجود داره. شما فرض کنید تو یه اتاقی سیمان رو به طور فله ای ریخته باشن و به شما بگن اونارو بشمرید. آیا این کار شدنی؟ مسلما این کار امکان پذیر نیست. این گونه اسمهارو که نمیشه شمردشون میگن اسمهای غیر قابل شمارش.

یه مثال دیگه: شما آب رو در نظر بگیرید که داخل استخر یا داخل لیوان ریخته باشن و به شما بگن این آب رو بشمرید. خوب این کار عملی نیست و نمیشه شمردش. حالا شاید اینجا واسه یکی سوال پیش بیاد و بگه مثلا این مواد رو جور دیگه ای می تونیم درجه بندی کنیم و یا به اصطلاح اونها رو بشماریمشون. مثلا بگیم یه پاکت سیمان، دو پاکت گچ، ده لیتر آب و یا یه لیوان شیر.



اگر تا به این مرحله فکر کردین، آدرسو درست اومدین. بله برای اینکه اسم های غیر قابل شمارش رو بشمریم، از واحدهایی استفاده می کنیم تا بتونیم اونها رو اندازه گیری و درجه بندی کنیم. ولی در عمل خود اون اسم غیر قابل شمردن هستش و به همین علت از این واحدها برای شمردنشون استفاده می کنیم.

نحوه اندازه گیری اسم های غیر قابل شمارش:

از اونجاییکه در توضیحات بیان شد متوجه شدیم که خود اسم های غیر قابل شمارش رو همیشه جمع بست و این کار در انگلیسی مصطلح نیست. مثلا کلمه cheese یا پنیر در انگلیسی به اسم غیر قابل شمارشه و نمی تونیم اون رو به صورت "cheeses" جمع ببندیم. اینجا به سوال پیش میاد که چطور اینگونه اسم هارو اندازه گیری می کنن و یا اونها رو می شمرن؟ انگلیسی ها برای اندازه گیری اسم های غیر قابل شمارش از واحدها و اندازه گیری هایی استفاده می کنند که اون واحدها قابل شمارش هستن و قبل از اسم های غیر قابل شمارش آورده میشن تا مفاهیم رو انتقال بدن. مثلا "cheese" که غیر قابل شمارشه براش از واحد کیلوگرم استفاده میشه. مثلا وقتی میریم مغازه برای خرید پنیر میگی یک کیلو یا دو کیلو پنیر می خایم که انگلیسیش به این صورت میشه.

► I want one **kilo** of that cheese.

► I want two **kilos** of that cheese.

اگه توجه کنید اون واحد اندازه گیری که قبل از اسم غیر قابل شمارش میاد جمع بسته میشه نه خود اسم غیر قابل شمارش.

تعدادی از واحدهایی که برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش استفاده میشن عبارتند از:

● a bottle of water	یه بطری آب	two, three bottles of water
● a cup of coffee	یه فنجان قهوه	two/three cups of coffee
● a glass of juice	یه لیوان آبمیوه	two, three glasses of juice
● a bag of sugar	یه بسته شکر	two, three bags of sugar
● a piece of cake	یه تکه کیک	two, three pieces of cake
● a slice of pizza	یه تکه پیتزا	two, three slices of pizza
● a kilo of cheese	یه کیلو پنیر	two, three kilos of cheese
● a loaf of bread	یه قرص نان	two, three loaves of bread

توجه!

دوستان توجه کنید که اون واحدی که قبل از اسم غیر قابل شمارش به کار میره اون جمع میشه نه خود اسم غیر قابل شمارش.

a loaf of bread	یه قرص نان	two, three loaves of bread
loaf مفرد		loaves جمع



اگر خاطرتون باشه در زبان دهم با انواع اسمها آشنا شدین که یکی از اون اسمها، اسمهایی بودن که ایده و نظر بودن. مثلا عشق، محبت، دوستی، نفرت، بدی و غیره. به این گونه اسمها، اسمهای انتزاعی میگن. این اسمها هم زیر مجموعه ی اسم های غیر قابل شمارش هستن و همیشه اونهارو شمرد.

البته باید به این مساله هم اشاره کنم چون زبان فارسی و انگلیسی دو زبان متفاوت هستن، شاید درباره تقسیم بندی اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش در این دو زبان دچار سردرگمی بشیم. مثلا کلمه "money" یا همون پول خودمون در انگلیسی غیر قابل شمارشه. شاید یه نفر بگه آقا این چطور امکان پذیره. ما که تو فارسی پول رو میشمریم. یا کلمه "bread" که میشه "نان" در انگلیسی غیرقابل شمارشه و شاید برای شما سوال پیش بیاد که ما تو زبان فارسی مثلا نان رو میشمریم. برای اینکه با مفهوم اسمهای غیر قابل شمارش تا حدودی آشنا بشین و یه دید کلی به دست بیارین در جدول زیر تقسیم بندی اسم هایی رو که در انگلیسی اونها رو غیر قابل شمارش محسوب میکنن رو براتون فراهم کردم. و باید این رو هم بگم که شما زمانی که با یه اسم مواجه میشین در دیکشنری قابل شمارش بودن و غیر قابل شمارش بودن اون رو بررسی کنین. اسمهایی رو که قابل شمارش باشن جلوی اونها با علامت اختصاری [C] آورده میشه و اسم های غیر قابل شمارش با علامت اختصاری [U] مشخص شدن.

1 اسمهایی که ایده و نظر هستند و در اصطلاح به اونها اسمهای انتزاعی هم میگن به طور فیزیکی قابل لمس کردن نیستند غالبا اسم های غیر قابل شمارش محسوب می شوند.

sunshine	نور خورشید
happiness	خوشحالی
interest	علاقه
communication	ارتباط
experience	تجربه
notice	توجه
luck	شانس
fear	ترس

2 اسمهایی که برای تشکیلشون چندتا مواد ترکیب شده تا اون اسم بوجود بیاد و همیشه اونهارو شمرد مثل سوپ، یا مصالح ساختمانی مثل سیمان

soup	سوپ
cement	سیمان
bread	نان
paper	کاغذ
money	پول
cheese	پنیر
air	هوا



12



ep
erit
hak

3 اسم زبانها

English	زبان انگلیسی
Italian	زبان ایتالیایی
French	زبان فرانسوی
German	زبان آلمانی

4 برخی اسمهایی که به ظاهر اسم جمع هستند ولی در واقع اسم های غیر قابل شمارش می باشند.

news	خبر
physics	رشته فیزیک
mathematics	رشته ریاضی

13

نکته؟!

حواستون باشه از اونجایی که اسم های غیر قابل شمارش به صورت مفرد هستند فعل هایی که با اونها نیز به کار میره باید مفرد باشه.

► There **is** a lot of **news** about the car accident. (Not: There are a lot of news about the car accident.)
درباره تصادف اون ماشین خبرای زیادی وجود داره.

نحوه استفاده از تعیین کننده a/an قبل از اسمهای قابل شمارش مفرد

یکی از اون تعیین کننده هایی که می تونه قبل از اسم مفرد قابل شمارش قرار بگیره حرف تعیین نامعین a/an هستش (فهرست تعیین کننده هایی رو که سال قبل به اون اشاره شده و قسمت های دیگری رو که امسال باهاشون آشنا میشین در بالا بهش اشاره شده).
1 همانطور که در سالهای قبل آشنا شدید اون اسمهای مفرد (قابل شمارش) که اولین حرفشون صدادار نباشه قبلشون می تونیم از حرف تعریف نامعین "a" استفاده کنیم.

مثال

● a hotel ● a bag ● a car ● a mistake ● a question ● a woman ● a hat

2 اما اسم های مفرد قابل شمارشی که اولین حروف اونها صدادار یا اولین حرف صفتی که قبل از اونها میاد صدادار باشه قبل

از اونها باید از حرف تعریف نامعین "an" استفاده کنیم. اگه به خاطر داشته باشید در فاگو زبان دهم گفتیم که اسمهایی که اولین حرفشون شامل **a, i, e, o, u** باشه اغلب قبلشون از حرف تعریف "an" استفاده میشه مگر اینکه اون حرفی که ظاهر صدادار داشته باشه ولی تلفظش صدادار نباشه.



مثال

an apple	an interesting program
an animal	an onion
an umbrella	an engineer
an airport	an organization
an artist	

3 اسم های مفرد قابل شمارش رو میشه با اضافه کردن "s" و "es" به انتهایشون به اسم جمع تبدیل کرد.

مثال

● car+s= cars	ماشین ها	● pen+s= pens	خودکارها
● hotel+s= hotels	هتل ها	● teacher+s= teachers	معلمان (معلم ها)
● chair+s= chairs	صندلی ها	● bird+s= birds	پرندگان



چه زمانی از "es" برای جمع بستن اسمهای مفرد (قابل شمارش) استفاده می کنیم؟

a اگر اسمهای مفرد قابل شمارش آخرین حرفشون **x** ایکس، **ch** چ، **sh** ش، **s** اس و **o** (در چند کلمه) باشه برای جمع بستنشون از "es" استفاده میشه.

مثال

● a bus two buses	● a dish two dishes	● a church two churches
● box boxes	● a potato two potatoes	● a tomato two tomatoes

b و همچنین اسم های مفردی که حرف آخرشون به "y" ختم بشه برای اینکه جمع بسته بشن حرف "y" به "i" تبدیل میشه و با اضافه کردن "es" اون اسم مفرد رو به اسم جمع تبدیل می کنیم.



مثال

● story stories ● family families ● fly flies ● baby babies ● city cities

نکته؟!

اگر به اسمهای بالا توجه کنید متوجه میشوید که حرف قبل از "y" حرف بی صدا هستش. مثلا در کلمه story حرف "r" قبل از حرف "y" به حرف بی صداست. در این صورته که میشه برای جمع بستن اسم مفرد به آخرش "es" اضافه کرد.  اگر اسم مفرد (قابل شمارش) حرف آخرش به حرف "y" ختم بشه اما حرف ماقبل "y" حرف صدادار باشه اون کلمه بدون هیچ تغییری فقط به آخرش "s" اضافه میشه و اون اسم مفرد به اسم جمع تبدیل میشه.

مثال

● day days ● monkey monkeys ● boy boys

 البته استثنائاتی هم وجود داره که اسمهای مفرد به صورت قوانین ذکر شده در بالا به اسم جمع تبدیل نمیشن یعنی نمیشه با اضافه کردن "s" و "es" اونهارو به اسم جمع تبدیل کرد. به این گونه اسم ها، اسم های نامنظم یا بی قاعده هم گفته میشه چون از قاعده بالا برای جمع شدن استفاده نمی کنند و شکل دیگری دارند که باید اونهارو یاد بگیرید.

مثال

● man men ● woman women ● foot feet
● child children ● tooth teeth ● mouse mice ● person people

تعیین کننده های نا معین کمیت: (صفات کمی)

علت اینکه به اونها تعیین کننده های کمیت میگن این هستش که قبل از اسمی که میان مقدار و اندازه اون اسم رو مشخص میکنن و علتی که به اونها تعیین کننده های نامعین میگن به خاطر اینه که تا "حدودی" نه به طور دقیق میان مقدار و اندازه اون اسم رو مشخص میکنن. اینجا لازم هست که این مطلب رو بدونید که برخی از این تعیین کننده ها فقط قبل از اسم های قابل شمارش جمع، برخی قبل از اسم های غیر قابل شمارش و برخی هم به طور مشترک هم قبل از اسمهای قابل شمارش جمع و هم قبل از اسم های غیر قابل شمارش قرار می گیرن.

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم قابل شمارش جمع قرار می گیرند

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسمهای قابل شمارش جمع می آیند شامل موارد زیر هستن. بچه های عزیز در اینجا لازمه که به این نکته مهم توجه کنید که این تعیین کننده ها فقط قبل از اسمهای قابل شمارش جمع میان، یعنی اسمی که بعد از اونها میاد باید حتما اسم قابل شمارش و جمع باشه نه مفرد. این تعیین کننده ها عبارتند از:

▶ اسم قابل شمارش جمع + some, many, lots of, a lot of, few, a few





تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم غیر قابل شمارش قرار می گیرند

تعیین کننده هایی که قبل از اسمهای غیر قابل شمارش میان شامل موارد زیر هستند:

► **اسم غیر قابل شمارش + some, much, lots of, a lot of, little, a little**

تعیین کننده های کمیت مشترک

اگر کمی دقت کنید متوجه میشین که برخی از تعیین کننده هایی که قبل اسم های قابل شمارش جمع و اسم های غیر قابل شمارش میان مشترک هستن که عبارتند از:

► **اسم های قابل شمارش جمع + some, lots of, a lot of**

► **اسم های غیر قابل شمارش + some, lots of, a lot of**

نحوه استفاده و کاربرد تعیین کننده ها

Some: اگر قبل از اسم قابل شمارش جمع بیاد به معنای "بعضی، برخی یا تعدادی" ترجمه میشه. و اگر قبل از اسم غیر قابل شمارش استفاده بشه بیشتر مقدار نامشخص اون اسم رو بیان میکنه و به معنای "یه مقدار، یه ذره" ترجمه میشه.

► **اسم قابل شمارش جمع + some**

مثال

● I went to the post office to buy **some stamps**. **(با اسم قابل شمارش جمع)**

برای خرید چندتا (تعدادی) تمبر به اداره پست رفتم.

► **اسم غیر قابل شمارش + some**

مثال

● There is **some milk** in the refrigerator. **(با اسم غیر قابل شمارش)** یه مقدار شیر داخل یخچال هست.

a **some** به طور عمومی در جملات مثبت و سوالی به صورت زیرمورد استفاده قرار می گیره

► Yesterday I went to the city center to buy **some flowers** for my mother. **(جمله مثبت)**

دیروز برای گرفتن چند تا شاخه گل برای مادرم به مرکز شهر رفتم.

► I'm going to plant **some roses** in the garden tomorrow. **(جمله مثبت)**

ما به دو صورت از some در جملات سوالاتی استفاده می کنیم.

- 1 **زمانی که بخایم از کسی چیزی رو "درخواست" کنیم و تا حدودی اطمینان داریم که جوابمون "بله" خواهد بود.**
 - You look hungry. Do want **some food**? **(جمله سوالاتی درخواستی)** گرسنه به نظر میرسی. یه مقدار غذا میخای؟
 - Do you mind if I put **some music** on? **(جمله سوالاتی درخواستی)** مشکلی نیست یه ذره موسیقی بذارم؟
 - A: Can you lend me **some money**? B: Sure, how much do you need?

الف: می تونی یه مقدار پول به من قرض بدی؟ ب: حتما، چقدر نیاز داری؟

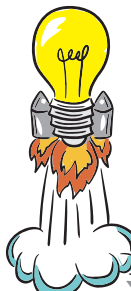
2 **زمانی که بخایم یه چیزی رو پیشنهاد بدیم یا به زبون خودمونی به کسی چیزی رو تعارف کنیم.**

► Would you like **some coffee**? **(جمله سوالاتی پیشنهادی)**

یه مقدار قهوه میخای؟



16



epic
erit
hak

نکته!



اغلب در جلات منفی "some" به "any" تبدیل می شود. در فارسی "any" به معنای "هیچ" ترجمه می شود.

- ▶ Jack did **some exercises**. (جمله مثبت)
- ▶ Jack didn't do **any exercises**. (جمله منفی)
- ▶ I have **some money**. (جمله مثبت)
- ▶ I don't have **any money**. (جمله منفی)
- ▶ I bought **some flowers** for my brother birthday. (جمله مثبت)
- ▶ I didn't buy **any flowers** for my brother birthday. (جمله منفی)

a lot of, lots of : این دو تعیین کننده هم قبل از اسم های قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار می گیرند "اندازه و تعداد زیاد" رو نشون میدن اسمهای غیر قابل شمارش. اگر قبل از اسمهای قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار بگیرند "اندازه و تعداد زیاد" رو نشون میدن و اگر قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بیان "مقدار زیاد" اون اسم رو مشخص میکنن. هر دوی این تعیین کننده معنی یکسانی دارن و به یک صورت مورد استفاده قرار میگیرن و فرقی که وجود داره اینه که a lot of رسمی هستش و lots of بیشتر در مکالمات محاوره استفاده می شه.

▶ **a lot of/ lots of + اسم قابل شمارش جمع**

مثال



- I've got **a lot of problems** in math. (با اسم قابل شمارش جمع)
 - I bought **lots of books** for my brother to study. (با اسم قابل شمارش جمع)
- تو درس ریاضی مشکلات زیادی دارم.
برای برادرم کتابای زیادی خریدم تا بخونه.

▶ **a lot of/ lots of + اسم غیر قابل شمارش**

مثال



- Last month we travelled to London and I spent **lots of money**. (با اسم غیر قابل شمارش)
 - These days I'm very busy and I don't have **a lot of time** to exercise. (با اسم غیر قابل شمارش)
- ماه گذشته به لندن رفته بودیم و پول زیادی خرج کردم.
این روزها سرم خیلی شلوغ است و وقت زیادی برای ورزش کردن ندارم.

کاربرد: a lot of و lots of می تونن در تمامی جمله های مثبت، منفی و سوالی مورد استفاده قرار بگیرند.

- ▶ Does he earn **a lot of money** in his supermarket? (جمله سوالی)
- ▶ He does not have **lots of friends**. (جمله منفی)
- ▶ I have travelled to **a lot of countries** in the region. (جمله مثبت)

در منطقه به کشورهای زیادی سفر کرده ام.

many : به معنای "زیاد" هستش و فقط قبل از اسامی قابل شمارش جمع میاد. پس حواستون باشه که many قبل از اسمهای غیر قابل شمارش استفاده نمیشه.

▶ **many + اسم قابل شمارش جمع**

مثال



- Did you take **many photographs** when you were on holiday? (با اسم قابل شمارش جمع)
- آیا تو تعطیلات عکسهای زیادی گرفتی؟



نکته!



many می تونه در جملات مثبت، سوالی و منفی قبل از اسم قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار بگیره. اما اغلب در جملات منفی محاوره ای به جای "many" از "a lot of" و "lots of" استفاده میشه.

David is a sociable person. He has **many friends**. (جمله مثبت)

دیوید آدم خوش مشربی می باشد. اون دوستای زیادی دارد.

Do you have **many books** in your bookshelf? (جمله سوالی) آیا تو کتابخونت کتابای زیادی داری؟

There aren't **many cars** on the street. (جمله منفی) There aren't **a lot of cars** on the street. درخیابان ماشین های زیادی وجود ندارد.

ما می توانیم به جای many از lots of و a lot of با many در واقع هم استفاده کنیم. در واقع many با lots of مترادف می باشد.

David is a sociable person. He has **a lot of/lots of friends**.

Do you have **a lot of/lots of books** in your bookshelf?

There aren't **lots of/a lot of cars** on the street.

قبل از اسامی سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشن به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشه.

I have been to England **many years** ago. (Not: I have been to England a lot of years ago).

خیلی سالها پیش در انگلستان بودم.

much به معنای مقدار "زیاد" هستش و تنها قبل از اسمهای غیر قابل شمارش مورد استفاده قرار می گیره

(در جملات منفی و سوالی) اسم غیر قابل شمارش + **much**

مثال



I didn't have **much money** to buy a present for my mother. (جمله منفی)

برای گرفتن هدیه برای مادرم پول زیادی نداشتم.

much بیشتر در جملات منفی و سوالی مورد استفاده قرار می گیرد.

I usually don't spend **much time** to go to the gym. (جمله منفی)

معمولا برای رفتن به باشگاه وقت زیادی را صرف نمی کنم.

I don't drink **much tea**. I usually drink a lot of coffee instead. (جمله منفی)

چایی زیاد نمیخورم. معمولا به جای اون قهوه زیاد میخورم.

Do you drink **much water** daily? (جمله سوالی)

آیا روزانه آب زیادی می نوشین؟

توجه!



دوستان عزیزم توجه داشته باشین که در جمله مثبت به جای آوردن much از a lot of یا lots of استفاده میشه.

I usually drink **a lot of coffee** at night. (Not: I usually drink much coffee at night.)

در تمامی جملات ما می تونیم به جای "much" از "a lot of" و "lots of" استفاده کنیم.

I didn't have **much money** to buy a present for my mother.

I didn't have **a lot of/ lots of money** to buy a present for my mother.

Do you drink **much water** daily?

Do you drink **a lot of/ lots of water** daily?



a few, few به معنای تعداد و اندازه کم (در حدی که کافی باشد a few) و یا خیلی کم (در حدی که کافی نباشد و نزدیک به صفر باشد few) معنا میدن و فقط قبل از اسمهای قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار میگیرن.

اسم قابل شمارش جمع + a few/ few

مثال

● There are **a few people** coming to visit us tonight. تعداد کمی افراد امشب برای دیدن ما می آیند.

تفاوت a few و few

بعد از هردوی اینها از اسم قابل شمارش جمع استفاده میشه. ولی یه تفاوت کوچک مفهومی و معنایی دارن. در جملاتی که در اون از a few استفاده میشه مفهوم مثبتی رو می رسونه و برعکس در جملاتی که در اونها قبل اسم از few استفاده میشه مفهوم منفی تری وجود داره.

► There are **a few students** in the class. There are enough people to hold the class.

تعداد کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی هستند.
خوب طبق توضیحات بالا متوجه شدیم با وجود اینکه همه دانش آموزان حضور ندارند اما تا اندازه ای هستن که بشه کلاسو تشکیل داد. یعنی درسته که تعدادشون کمه ولی تا حدی کافی هستند که بشه کلاسو تشکیل داد.
حالا اگر از همون دانش آموزایی که گفتیم کمتر از حد نصاب تشکیل کلاس باشن می تونیم اینطوری بگیم.

► There are **few students** in the class. There are not enough people to hold the class.

دانش آموزای خیلی کمی تو کلاس هستن. اما به اندازه ای کافی نیستن که بشه کلاسو تشکیل داد.
از جمله بالایی متوجه می شویم که تعداد دانش آموزا خیلی کمه و به حدنصاب نرسیده و در حدیه که تعدادشون ناچیزه و نمیشه کلاسو تشکیل داد.

نتیجه گیری: اگر در جمله از a few استفاده بشه به این معناست که علی رغم اینکه تعداد اون چیز کمه، ولی در حدی هست که کارمونو راه بندازه. ولی few به این مفهومه که از اون چیز تعداد بسیار ناچیزی وجود داره و به حد کافی موجود نیستش و در حده صفره.

a little, little به معنای مقدار کم (در حدی که کافی باشد a little) و یا مقدار خیلی کم (در حدی که کافی نباشد و مقدارش ناچیز و نزدیک به صفر باشد little) معنا میدن و فقط قبل از اسمهای غیر قابل شمارش میتونن بیان.

اسم غیر قابل شمارش + a little/ little

مثال

● I like **a little milk** in my tea please. لطفا یه ذره شیر تو چایی بریزید.

تفاوت a little و little

از لحاظ ساختاری تفاوتی بین a little و little وجود نداره یعنی اینکه هر دوی آنها قبل از اسمهای غیر قابل شمارش به کار میرن. اما تفاوتی که وجود داره بر می گرده به مفهوم و معنی که اونها انتقال میدن. وقتی در جمله ای ما از little قبل از یک اسم غیر قابل شمارش استفاده می کنیم به این مفهومه که مقدار اون اسم خیلی ناچیزه و در واقع به مقدار کافی وجود نداره. اما زمانی که از a little استفاده میشه به این مفهومه که از اون اسم درسته مقدار کمی وجود داره ولی تا حدی هست که کافی باشه. با مثال های زیر بیشتر متوجه این مفهوم میشین.

a little > little



مثال

غذای داخل یخچال خیلی کمه. یخچال تقریباً خالیه. **There is little food in the fridge. It's nearly empty.**
مفهوم این جمله که با little اومده به این معناست که تقریباً غذا تموم شده و نیاز داریم که بریم غذا بخریم و غذایی که تو یخچال مونده اونقدر ناچیزه که اصلاً به حساب نیامد. یعنی حتی یه نفرم شاید نتونه سیر کنه.

My parents are going to visit us tonight. We have a little fruit in the fridge.
والدینم امشب میخان بیان خونمون. تو یخچال یه مقدار میوه داریم.

وقتی از a little تو این جمله استفاده کردیم، مفهوم و معنی جمله اینه که درسته میوه مون کمه ولی تا اندازه ای هستش که امشبو باهاش سر کنیم. و در واقع به این مفهومه که واسه امشب و واسه مهمونای امشب کافی میشه، علی رغم اینکه کم هست و زیاد نیست.

نتیجه گیری: پس با توجه به مثال ها و توضیحات بالا، در جمله ای که در اون از a little استفاده میشه می تونیم متوجه بشیم که مفهوم مثبتی داره. درسته اون مقدار کم هست ولی تا حدی هست که کافی باشه و کارمونو راه بندازه. و در جمله ای که در اون از little استفاده میشه متوجه میشیم که مفهومش منفی تره و نشون میده که مقدار اون اسم یا چیزی که قبلش از little استفاده شده بیش از حد کمه، تا حدی که اون چیز ناچیز محسوب می شه.

حالا به سوال:

دو تا جمله من می نویسم. شما بگید چه کسی وضعیت مالیش بهتره؟ فرد A یا فرد B؟

A: I have little money.

B: I have a little money.

نکته مشترک بین a few و a little:

ما می تونیم در جملات قبل از هر دوی این تعیین کننده ها از only استفاده کنیم.

The village was very small. There were only a few houses.

اون روستا خیلی کوچیک بود. فقط چندتا خونه وجود داشت.
اگر در این جمله به جای a few از few استفاده می کردیم مفهومش این بود که در اون روستا اصلاً خونه ای وجود نداشت و یا اگر هم وجود داشت در حد خیلی خیلی کم بود و ناچیز محسوب می شد.

Why don't you hurry? We only have a little time.
چرا عجله نمی کنی؟ وقت خیلی کمی داریم.
در این جمله مفهوم این هستش که درسته ما وقتمون کمه ولی در حد صفر و ناچیز محسوب نمیشه. چون از a little قبل از اسم به جای little استفاده شده. پس حواستون باشه only یکی از نشانه های استفاده از a little و a few هستش.

اعداد: همانطور که در بخش های قبل اشاره کردم اعداد هم جزئی از تعیین کننده ها محسوب میشن. ما می تونیم قبل از اسم های قابل شمارش از اعداد برای مشخص کردن تعداد اون اسم استفاده کنیم. نکته ای که اینجا وجود داره اینه که به غیر از عدد یک که شامل عدد دو، سه... می باشد، اسمهایی که بعد از آنها به کار میره باید اسم جمع قابل شمارش باشند.

مثال

● a book/ one book/ an apple

● two books/ three flowers/ four trees ...

▶ اسم مفرد قابل شمارش + a/ an/ one

▶ اسم جمع (قابل شمارش) + two/three



نکته!



همانطور که قبلاً هم ذکر کردیم، اعداد هم به عنوان تعیین کننده های قبل از اسم به کار میرن. زمانی که اعداد دارای دهگان و یکان باشند و به صورت حروفی نوشته بشن، چه قبل از اسم و یا بدون اسم بیان، باید بین دهگان و یکان یک خط تیره قرار داده بشه. این موضوع فقط در مورد اعدادی هست که دهگان و یکان دارند و شامل اعداد بزرگتر نمیشه. پس باید اعداد **بیست و یک** تا **نود و نه** که قبل از اسم برای تعیین تعداد اون اسم (اسم قابل شمارش) به کار میرن، خط تیره ای بین دهگان و یکانشون قرار داده بشه.

مثال



twenty- five languages

بیست و پنج زبان

eighty- three horses

هشتاد و سه اسب

forty- seven books

چهل و هفت کتاب

اما اعداد **صد و بالاتر** (که به صورت حروفی نوشته میشن)، گذاشتن خط تیره ما بینشون لازم نیست.

three hundred horses

سیصد اسب

one million books

یک میلیون کتاب

یه سوال: اگر اعداد بالاتر از صد دارای اعدادی باشند که دهگان و یکان دارند طرز نوشتنشون چگونه خواهد بود؟
اگر هر عددی بالاتر از صد تا بی نهایت دارای عددی باشد که دهگان و یکان دارد، فقط مابین عدد دهگان و یکان خط تیره گذاشته می شود.

مثال



two hundred thirty- five books

دویست و سی و پنج کتاب

one thousand sixty- eight books

یک هزار و شصت و هشت کتاب

five million fifty- seven books

پنج میلیون و پنجاه و هفت کتاب

نحوه استفاده صفات و اعداد قبل از اسم های قابل شمارش:

همانطور که می دونید در انگلیسی صفت می تونه قبل از اسم قرار بگیره. در اسمهایی که قابل شمارش باشند و قبل از اونها صفت اومده باشه می تونیم برای شمردنشون قبل از اونها از اعداد استفاده کنیم. اگر اسم مفرد باشد می تونیم از ترکیب زیر استفاده کنیم

► اسم مفرد قابل شمارش + صفت + one

I bought one/an interesting book.

من یک کتاب جالب خریدم.

و اگر اسم قابل شمارش جمع باشد باید از ترکیب زیر استفاده کنیم

► اسم قابل شمارش جمع + صفت + two/three...

I bought two interesting books.

من دو کتاب جالب خریدم.



نحوه سوالاتی کردن جملات با استفاده از How much و How many

نحوه استفاده از How many: ما زمانی از How many در جمله برای سوالاتی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از تعداد اسم قابل شمارش جمع در جمله باخبر شویم. پس باید حواسمان باشد که بعد از How many فقط اسم قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار می گیرد و ما نمی توانیم از اسم مفرد قابل شمارش استفاده کنیم. برای سوالاتی کردن از ترکیب زیر استفاده می کنیم.

► **ساختار سوالاتی جمله + اسم قابل شمارش جمع + How many**

How many children do you have?

چند تا بچه داری؟

نحوه استفاده از How much: ما زمانی از How much برای سوالاتی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از مقدار اسم غیر قابل شمارش در جمله مطلع شویم. پس به این نکته توجه کنید که بعد از How much از اسم غیر قابل شمارش استفاده میکنیم. برای سوالاتی کردن از ترکیب زیر استفاده می شود.

► **ساختار سوالاتی جمله + اسم غیر قابل شمارش + How much**

How much money do you need?

چقدر پول نیاز داری؟

جمله ساده: جمله ساده به جمله ای گفته میشه که حداقل باید دارای یک فاعل و یک فعل باشه. البته لازمه که اینو بدونین در این جملات می تونیم از مفعول و قید هم استفاده کنیم. تو این گونه جملات ما داریم درباره یه کسی یا یه چیزی صحبت می کنیم که به اون فاعل جمله میگن. به تعریف دیگه فاعل انجام دهنده اون کار یا عمل فعل هستش. به کلمه ای که فاعل اون رو انجام میده فعل میگن.

مثال

He fell down.

او زمین خورد.

They are singing.

آنها آواز می خوانند

My brother is sleeping.

برادرم خوابیده است.

در جملات بالا، زیر فعل اصلی و فعل کمکی خط کشیده شده و فاعل جملات قرمز شده تا شما بتونید اونهارو تشخیص بدین. فاعل می تونه شامل موارد زیر باشه:

Hassan, Jack, Zahra, David, Parsa

۱. اسم شخص:

I, you, he, she, it, we, they

۲. ضمیر (فاعلی):

house, mountain, road, shop, school, class

۳. اسم مکان:

computer, car, book, airplane

۴. اسم شی یا وسیله:

توجه کنید که در زبان انگلیسی هر جمله ای که شروع میشه اولین حرف اولین کلمه باید با حرف بزرگ نوشته بشه و زمانی که جمله تموم میشه باید آخر جمله "نقطه" گذاشته بشه. یک جمله ساده به غیر از فاعل و فعل می تونه مفعول هم داشته باشه.



مفعول: مفعول اسمی هستش که کار بر روی اون انجام میشه.

► He is drinking water. او دارد آب می نوشد.

انواع فعل ها:

فعل متعدی: فعلی هستش که در جمله به مفعول نیاز داره.

► He plays football. او فوتبال بازی می کند.

فعل لازم: فعلی هستش که نیازی به مفعول نداره.

► He came. او آمد.

تعریف قید: قید کلمه ای هستش که برای توصیف نحوه، زمان، مکان و تعداد دفعات تکرار فعل در جمله مورد استفاده قرار می گیرد. با خوندن مطالبی که در زیر آمده بیشتر متوجه انواع قید و نحوه استفاده از اونها میشین.

یه جمله ساده میتونه علاوه بر داشتن فاعل، فعل و مفعول اطلاعات دیگری رو به شکل قید های مکان، زمان، حالت و قیدهای تکرار در جمله به ما بده.

► He is studying English hard. او دارد به شدت انگلیسی می خواند.

انواع قیده‌ها:

- 1 قید حالت 2 قید مکان 3 قید زمان 4 قید تکرار

1 قید حالت: قید های حالت چگونگی و نحوه انجام و اتفاق افتادن فعل را بیان می کنن. مثلا اون فعل به چه صورتی انجام شده. برای مثال دو تا دوند رو در نظر بگیرید. هر دوی اونها در حال دویدن هستن اما ممکنه یکی از اونها "سریع" بدوه و یکی از اونها "آروم" بدوه. در اینجا فعل ما "دویدن" هستش اما اون کلمه ای که میاد درباره نحوه انجام شدن اون فعل یعنی "سریع" یا "آروم" دویدن صحبت می کنه **قید حالت** نامیده میشه.

مثال

► They are running. Jack is running fast, but his friend is running slowly.

اونها دارن میدون. جک داره **سریع** میدوه ولی دوستش داره **آهسته** میدوه.

برای اینکه تو یک جمله قید حالت را پیدا کنیم می تونیم با پرسیدن سوال "how" یا "چطور" متوجه قید حالت تو جمله بشیم.

► How is Jack running? He is running fast. جک داره چطور میدوه؟ اون داره **سریع** میدوه.

► How is Jack's friend running? He is running slowly. دوست جک داره چطور میدوه؟ اون داره **آهسته** میدوه. در سال گذشته آشنا شدیم که با اضافه کردن پسوند "-ly" به آخر برخی از صفت ها میشه قید حالت ساخت. البته بعضی از صفت ها از این قانون پیروی نمیکنن مثل "fast" که قیدشم میشه "fast".

► **قید حالت = +ly + صفت**

angry + ly = angrily	clear + ly = clearly
slow + ly = slowly	happy + ly = happily
quiet + ly = quietly	nice + ly = nicely

قیده‌های نامنظم

- fast fast good well hard hard late late early early

► She speaks English well. او به خوبی انگلیسی صحبت می کند.



► He read the letter **slowly**.

► John works **hard**.

او نامه را به آهستگی خواند.

جان به سختی کار می کند.

جایگاه قرارگیری قیدهای حالت در جمله:

قیدهای حالت که برای توصیف حالت فعل می باشند به طور معمول قبل یا پس از فعلی که می خواهد حالتش را بیان کنند قرار می گیرند. اگر فعلی، فعل متعددی باشد یعنی دارای مفعول باشد این قیدها می توانند پس از مفعول قرار بگیرند.

مثال

● She read the letter **slowly**.

قید حالت مفعول فعل فاعل

● She **slowly** read the letter.

مفعول فعل قید حالت فاعل

او نامه را به آهستگی خواند.

نکته!

باید به این نکته توجه کنید که قید حالت نمی تواند بین فعل و مفعول قرار بگیرد.



Incorrect: She read **slowly** the letter.

این جمله نادرست می باشد چون قید حالت slowly بین فعل و مفعول قرار گرفته است.

2 قید مکان: قیدهای مکان قیدهایی هستند که درباره مکان انجام شدن و اتفاق افتادن فعل صحبت میکنند. مثلاً میگویند که او کار (همون فعلمون) کجا اتفاق افتاده. پس به عبارت دیگه قیدهای مکان در واقع کلماتی هستند که "مکان و جای" انجام شدن فعل رو نشون میدن. همون مثال دونه رو در نظر بگیرید. حالا فرض کنید این دونه داره تو خیابون میدوه. "خیابون" میشه قید مکان ما. چرا؟ چون جای دویدن رو به ما میگه کجاست.

► Jack is running **on the street**.

برای اینکه تو به جمله قید "مکان" رو شناسایی کنیم می تونیم سوال "where" یا "کجا" رو پرسیم.

► Where is jack running? Jack is running **on the street**.

جک داره کجا میدوه؟ اون داره **تو خیابون** میدوه

جایگاه قرارگیری قیدهای مکان در جمله:

قیدهای مکان غالباً در انتهای جمله به کار می روند. اگر در جمله فقط قید مکان داشته باشیم می تواند پس از فعل یا مفعول آن قرار بگیرد. اما این قید نمی تواند مابین فعل و مفعولش بیاید.

مثال



Correct: I met my friend **on the street**.



Incorrect: I met **on the street** my friend.

دوستم را در خیابان دیدم.

3 قید زمان: قیدهای زمان قیدهایی هستند که درباره زمان انجام شدن فعل به ما اطلاعاتی رو ارائه می کنند. این قیدها به ما میگویند که چه زمانی اون کار (فعل) اتفاق افتاده. پس می تونیم اینجوری هم بگیم که قیدهای زمان کلماتی هستند که زمان اتفاق افتادن به کاریو به ما نشون میدن و میگویند که این کار چه زمانی رخ داده. دوباره اون مثال دونه رو در نظر بگیرید. حالا فرض کنید اون دونه دیروز در حال دویدن بوده. کلمه "دیروز" که داره زمان انجام شدن فعل یعنی دویدن رو نشون میده میشه قید زمان جمله ما.

► Jack was running **yesterday**.

جک دیروز داشت می دوید.



برای اینکه تو به جمله ای بخواهیم قید زمان رو مشخص کنیم می تویم سوال "when" یا "کی"، "چه موقع"، یا "چه زمانی" رو پرسیم تا قید زمان تو جمله مشخص بشه.

جک کی داشت می دوید؟ اون دیروز داشت می دوید. ► When was Jack running? He was running **yesterday**.



قیدهای زمان به طور معمول می توانند هم در ابتدای جمله و هم در انتهای جمله قرار بگیرند.

Yesterday I saw my friend.

دیروز دوستم را دیدم.

I saw my friend **yesterday**.

نحوه و ترتیب قرار گرفتن قیدهای حالت، مکان و زمان: احتمال این وجود داره که در یک جمله ای بیش از یک قید استفاده بشه که در این صورت ترتیب قرار گرفتنشون تو جمله به صورت زیر خواهد بود.

► **قید زمان + قید مکان + قید حالت**

او داشت امروز صبح به آهستگی در خیابان قدم می زد. He was walking **slowly on the street this morning**.

4 ► **قیدهای تکرار** (adverbs of frequency): برخی از قیدهای تکرار شامل **never**، **sometimes**، **often**، **usually**، و **always** می باشند.

چرا به قیدهای فوق قید تکرار میگویند؟ چون این قیدها تعداد دفعات تکرار و انجام شدن فعل رو بیان می کنند. مثلاً قید تکرار **always** نشون میده که عمل انجام شدن فعل همیشگی هستش و اون کار همیشه اتفاق میوفته.

جایگاه قرارگیری قیدهای تکرار در جمله:

1 ► قیدهای تکرار در زمانهای حال ساده و گذشته ساده که دارای یک فعل هستند قبل از فعل قرار می گیرند. مفهوم این جمله این هستش که اگه یه فعل تو جمله باشه و فعل کمکی نباشه، قید تکرار قبل از اون فعل قرار میگیره.

- He **usually plays** football on Saturday.
- I **often sleep** at 10:00 pm.
- She **never does** his homework well.
- She **always does** his homework well.
- They **sometimes have** trouble with their television set.
- He **sometimes climbed** mountain in the past.

2 ► اگر در جمله فعل "to be" داشته باشیم، قید تکرار بعد از این گونه فعلها قرار میگیره. ► He **is often** late.

3 ► جملاتی که دارای یک، دو و یا سه فعل کمکی باشند، قیدهای تکرار بعد از اولین فعل کمکی قرار می گیرد.

► She **is always leaving** his dirty socks on the floor.

► I **can never remember** his name.





1. A: "Let's go out tonight." B: "Okay. I have money, enough for the cinema at least."

- 1) a little 2) many 3) little 4) a few

2. David climbed hill in the countryside to see apple trees.

- 1) an- much 2) a- some 3) a- much 4) an- some

3. A: "Have you ever been to France before"? B: "Yes, I've been there"

- 1) much time 2) a few time 3) much times 4) a few times

4. We ran out of sugar and I asked Jack to buy on his way home.

- 1) two bag of white sugar 2) two bags of sugar white
3) two bags of white sugar 4) two bag of white sugars

5. Only people stay calm to help the injured man after the accident.

- 1) much 2) a few 3) many 4) a lot of

6. I haven't been paid for two Can I ask you borrow me money?

- 1) months- some 2) month- many 3) months- a few 4) month- few

7. We don't have paper to print the important documents. We need to buy some more.

- 1) many 2) a few 3) much 4) a little

8. There were too many cars and people had to drive.....

- 1) yesterday in the street -slowly 2) in the street yesterday -slow
3) in the street yesterday -slowly 4) yesterday in the street -slow

9. There have been problems with the new system, thankfully!

- 1) much 2) a lot of 3) many 4) few

10. In Alaska in the winter, there a lot of on the ground.

- 1) is -snows 2) are -snow 3) is -snow 4) are -snows

11. There is only water in the glass. Please give me some more.

- 1) many 2) much 3) a few 4) a little

12. He is amazing football player because he can use his both to shoot the ball.

- 1) a -feet 2) an -foot 3) an -feet 4) a -foot

13. A: Do you have five dollars?" B: "No, I don't, but David has money with him."

- 1) a lot of 2) much of 3) many 4) lots

14. My children usually drink in the morning. It keeps them healthy.

- 1) two glass of milk 2) two glass of milks
3) two glasses of milk 4) two glasses of milks

15. A: "How butter do you need?" B: "I only need a little."

- 1) much 2) many 3) few 4) a lot

16. Hi David. Can you give me about the places of interest in the town?

- 1) some information 2) a few informations
3) many informations 4) few informations

17. I wonder how Jack is. I haven't seen him for

- 1) few month 2) a few months 3) few months 4) a few month



18. A: "Have you ever travelled to Shiraz?" B: "Yes I have been there years ago."

- 1) a little 2) many 3) a lot of 4) much

19. A: "How did you buy?" B: "I bought kilos."

- 1) many fruit- two 2) much fruit- two 3) many fruits- one 4) much fruit- one

20. Look at this sentence: *Mary lives in London.* What is subject, and what is verb?

- 1) the- the 2) a- a 3) the- a 4) a- the

21. I think that this place is not very attractive because only come here.

- 1) few tourists 2) little tourists 3) a few tourists 4) much tourists

22. A: "Do you mind if I ask you important?" B: "No, not at all."

- 1) much- question 2) some- questions 3) a little- questions 4) some- question

23. A: "How do you have to do tonight?" B: "I've got a lot."

- 1) many homework 2) a few homework 3) a little homework 4) much homework

24. We've got good for you. We're getting married.

- 1) some-news 2) a few-news 3) many-news 4) few-news

25. New York is a very modern city. There are almost very

- 1) a few buildings old 2) little old building 3) few old buildings 4) a little building old

26. You shouldn't eat butter in the breakfast. It's not good for your health.

- 1) too much 2) very a little 3) too many 4) very few

27. I don't know students in this class. Because I am a newcomer.

- 1) a little 2) a few 3) many 4) much

28. Thomas already knew before he attended the institute.

- 1) some grammar English 2) many English grammar
3) many grammar English 4) some English grammar

29. Gary works a lot during the day, so he has very time for his family.

- 1) much 2) few 3) lots of 4) little

30. I had soup and sandwich for lunch. They were really delicious.

- 1) some- some 2) a- some 3) some- a 4) a- a

31. This city is very boring place to live. There are not things to do.

- 1) a little 2) much 3) a lot of 4) little

32. Is there traffic in your town?

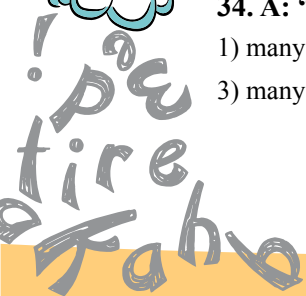
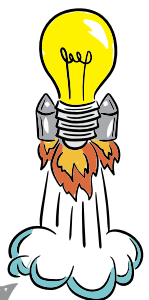
- 1) a few 2) many 3) some 4) much

33. A: "Were there passengers on the plane?" B: "Not"

- 1) much - many 2) a lot of - many
3) much - a few 4) a lot of - much

34. A: "How apples did you eat?" B: "I ate apples."

- 1) many - a few 2) much - some
3) many - a little 4) a lot of - a few



لغات درس اول

معنی	تلفظ	کلمه	معنی	تلفظ	کلمه
ارتباط	/kə'mju:..nɪ'keɪ.ʃ ə n/	communication	توانایی	/ə'bi:l.ɪ.ti/	ability
۱. کامل ۲. کامل کردن	/kəm'pli:t/	complete	کاملاً	/,æb.sə'lu:t.li/	absolutely
کاملاً	/kəm'pli:t.li/	completely	دسترسی	/'æk.ses/	access
مطمئن	/'kɒn.fɪ.d ə nt/	confident	از عرض	/ə'krɒs/	across
بررس کردن، در نظر گرفتن	/kən'sɪd.ə r /	consider	اقدام	/'æk.ʃ ə n/	action
(جمله) یافت	/'kɒn.tekst/	context	اضافه کردن	/æd/	add
قاره	/'kɒn.tɪ.nənt/	continent	اضافی	/ə'dɪʃ. ə n. ə l/	additional
ایجاد کردن	/kri'eɪt/	create	ترسیده	/ə'freɪd/	afraid
فرهنگی	/'kʌl.tʃ ə r. ə l/	cultural	سن	/eɪdʒ/	age
فرهنگ	/'kʌl.tʃə r /	culture	همیشه	/'ɔ:l.weɪz/	always
خطر	/'deɪn.dʒə r /	danger	شگفت انگیز	/ə'meɪ.zɪŋ/	amazing
روزانه	/'deɪ.tə'deɪ/	day-to-day	مقدار	/ə'maʊnt/	amount
کر، ناشنوا	/def/	deaf	مناسب	/ə'prəʊ.pri.ət/	appropriate
علی رغم	/dɪ'spaɪt/	despite	حداقل	/æt li:st/	at least
ناپود کردن	/dɪ'strɔɪ/	destroy	موجود. در دسترس	/ə'veɪ.lə.bəl/	available
توسعه دادن	/dɪ'vel.əp/	develop	بسته	/bæɡ/	bag
توسعه	/dɪ'vel.əp.mənt/	development	مبتدی، تازه کار	/brɪ'ɡɪn.ə r /	beginner
فرهنگ لغت	/'dɪk.ʃ ə n. ə r.i/	dictionary	آغاز، ابتدا	/brɪ'ɡɪn.ɪŋ/	beginning
(زبان) از بین رفتن. مردن	/daɪ/	die	اعتقاد. باور	/brɪ'li:f/	belief
از بین رفتن	/daɪ aʊt/	die out	به غیر از	/brɪ'saɪdz/	besides
تفاوت، اختلاف	/'dɪf. ə r. ə n t s/	difference	قرض گرفتن	/'bɒr.əʊ/	borrow
ناپدید شدن	/dɪs.ə'piə r /	disappear	بطری	/'bɒt.l/	bottle
زود، اولیه	/'ɜ:.li/	early	نامیدن	/kɔ:l/	call
در معرض خطر	/ɪn'deɪn.dʒəd/	endangered	شمع	/'kæn.dl/	candle
لذت بردن	/ɪn'dʒɔɪ/	enjoy	حرف بزرگ	/'kæp.ɪ.t ə l 'let.ə r/	capital letter
فرار کردن	/ɪ'skeɪp/	escape	قرن	/'sen. t ʃ ə r.i/	century
مبادله کردن، عوض کردن	/ɪks'tʃeɪn d ʒ/	exchange	قطعا	/'sɜ:.t ə n.li/	certainly
تمرین (درس)	/'ek.sə.saɪz/	exercise	۱. دور...خط کشیدن. ۲. چرخیدن	/'sɜ:.k/	circle
وجود داشتن	/ɪg'zɪst/	exist	ارتباط برقرار کردن	/kə'mju:..nɪ.ket/	communicate





کلمه	تلفظ	معنی	کلمه	تلفظ	معنی
experience	/ɪk'spiəri. ə n t s/	تجربه	interest	/'ɪn.trəst/	علاقه
explain	/ɪk'spleɪn /	توضیح دادن	international	/,ɪn.tə'næʃ. ə n. ə l/	بین المللی
explanation	/,ek.splə'nei.ʃ ə n/	توضیح	interview	/'ɪn.tə.vju:/	مصاحبه
extra	/'ek.strə/	اضافی	invite	/'ɪn'vaɪt/	دعوت کردن
fall down	/fɔ:l daʊn/	افتادن	knowledge	/'nɒl.ɪdʒ/	دانش
farming	/'fɑ:.mɪŋ/	کشاورزی	label	/'leɪ.b ə l/	نشانه، برچسب
favorite	/'feɪ.v ə r.ɪt/	مطلوب	language	/'læŋ.gwɪdʒ/	زبان
feeling	/'fi:.lɪŋ/	احساس	largely	/'la:dʒ.li/	زیاد ، به طور عمده
finally	/'faɪ.nə.li/	در نهایت	laugh	/la:f/	خندیدن
fluent	/'flu:.ənt/	(سخن) روان، سلیس	less	/les/	کمتر
fluently	/'flu:.ənt.li/	به طور روان	list	/lɪst/	فهرست کردن
foreign	/'fɔr.ən/	خارجی	loaf	/ləʊf/	(نان) قرص
form	/fɔ:m/	تشکیل دادن	lose	/lu:z/	از دست دادن
fortunately	/'fɔ:.tʃ ə n.ət.li/	خوشبختانه	loudly	/'laʊd.li/	با صدای بلند
frequently	/'fri:.kw ə nt.li/	اغلب، پی در پی	luckily	/'lʌk. ə l.i/	خوشبختانه
give up	/gɪv ʌp/	رها کردن	make up	/meɪk ʌp/	تشکیل دادن
grade	/greɪd /	نمره	mark	/mɑ:k/	علامت گذاری کردن
greatly	/'greɪt.li/	زیاد ، به طور عمده	master	/'ma:stə r /	یاد گرفتن
happen	/'hæp. ə n/	اتفاق افتادن	matter	/'mæt.ə r /	مسئله
hint	/hɪnt/	اشاره	mean	/mi:n/	معنا دادن
holy	/'həʊ.li/	مقدس	means	/mi:nz/	وسیله
honest	/'ɒn.ɪst/	درستکار	measure	/'meʒ.ə r /	اندازه گیری کردن
honestly	/'ɒn.ɪs t .li/	به درستی	meet	/mi:t/	برآورده کردن
host	/həʊst/	میزبان	mental	/'men.t ə l/	ذهنی
imagine	/ɪ'mædʒ.ɪn/	تصور کردن	mention	/'men. t ʃ ə n/	بیان کردن
impossible	/ɪm'pɒs.ɪ.bəl/	غیرممکن	mind	/maɪnd/	ذهن
increase	/ɪn'kri:s/	افزایش دادن	mother tongue	/'mʌð.ə r tʌŋ/	زبان مادری
institute	/'ɪn t .stɪ.tju:t/	موسسه	museum	/mju:'zi:.əm/	موزه
intent	/ɪn'tent/	قصد	nation	/'nei.ʃ ə n/	ملت، کشور



معنی	تلفظ	کلمه	معنی	تلفظ	کلمه
حمایت، محافظت	/prə'tek.ʃ ə n/	protection	بومی، مادری	/ˈneɪ.tɪv/	native
ساکت	/kwaɪət/	quiet	تقریباً	/ˈniːə.li/	nearly
ترک کردن	/kwɪt/	quit	همسایه	/ˈneɪ.bə r/	neighbor
طیف	/reɪndʒ/	range	هرگز	/ˈnev.ə r/	never
امتداد داشتن، دامنه.....کشیدن	/reɪndʒ/	range	دفترچه یادداشت	/ˈnəʊt.bʊk/	notebook
آماده	/ˈred.i/	ready	توجه	/ˈnəʊ.tɪs/	notice
بدست آوردن، دریافت کردن	/rɪˈsi:v/	receive	این روزها	/ˈnaʊ.ə.deɪz/	nowadays
منطقه	/rɪː.dʒ ə n/	region	تعداد، رقم	/ˈnʌm.bə r/	number
به خاطر آوردن	/rɪˈmem.bə r/	remember	مفعول	/ˈɒb.dʒɪkt/	object
تکرار کردن	/rɪˈpi:t/	repeat	اغلب	/ˈɒf. t ə n/	often
احترام گذاشتن	/rɪˈspekt/	respect	به طور شفاهی	/ˈɔː.rə.li/	orally
ذخیره کردن	/seɪv/	save	سفارش دادن	/ˈɔː.də r/	order
نگاه سریع انداختن	/skæn/	scan	الگو، روش	/ˈpæt. ə n/	pattern
جستجو کردن	/si:k/	seek	نقطه	/ˈpiəri.əd/	period
نشانه	/saɪn/	sign	عکس	/ˈfəʊ.tə.gra:f/	photograph
زبان اشاره	/saɪn læŋ.gwɪdʒ/	sign language	عبارت	/freɪz/	phrase
مشابه	/ˈsɪm.ɪ.lə r/	similar	جسمی	/ˈfɪz.ɪ.k ə l/	physical
ساده، آسان	/ˈsɪm.pəl/	simple	برداشتن	/pɪk/	pick
به سادگی	/ˈsɪm.pli/	simply	نکته	/pɔɪnt/	point
مهارت	/skɪl/	skill	محبوب	/ˈpɒp.jʊ.lə r/	popular
تکه	/slaɪs/	slice	قدرت، توان	/paʊə r/	power
باهوش	/sma:t/	smart	قابل پیش بینی	/prɪˈdɪk.tɪv/	predictive
جامعه	/səˈsaɪ.ə.ti/	society	قیمت	/praɪs/	price
گاهیگاهی	/ˈsʌm.taɪmz/	sometimes	درصد	/pəˈsent/	percent
فضا	/speɪs/	space	محتمل	/prɒb.ə.bl/	probable
سخنران	/ˈspiː.kə r/	speaker	پروژه	/ˈprɒdʒ.ekts/	project
ویژه، خاص	/spəˈsɪf.ɪk/	specific	تلفظ کردن	/prəˈnaʊn t s/	pronounce
مرحله، قدم	/step/	step	تلفظ	/prəˈnʌn t .sɪˈeɪ.fə n/	pronunciation
کتاب داستان	/ˈstoː.ri.bʊk/	storybook	حمایت کردن	/prəˈtekt/	protect





کلمه	تلفظ	معنی	کلمه	تلفظ	معنی
strategy	/ˈstræt.ə.dʒi/	راهکار	visit	/ˈvɪz.ɪt/	دیدن
stress	/stres/	تاکید	way	/weɪ/	روش ، راه
strong	/strɒŋ/	قوی	wish	/wɪʃ/	خواسته، آرزو
subject	/ˈsʌb.dʒekt/	فاعل	written	/ˈrɪt. ə n/	کتبی
suggest	/səˈdʒest/	پیشنهاد دادن	wrongly	/ˈrɒŋ.li/	به اشتباه
suitable	/ˈs j u:.tə.bəl/	مناسب			
surf	/sɜ:f/	گشتن در (اینترنت)			
surprising	/səˈpraɪ.zɪŋ/	تعجب آور			
syllable	/ˈsɪl.ə.bəl/	هجاء			
synonym	/ˈsɪn.ə.nɪm/	هم معنی			
system	/ˈsɪs.təm/	سیستم			
take	/teɪk/	گرفتن			
therefore	/ˈðeə.fɔ: r /	بنابراین			
through	/θru:/	از طریق			
tiny	/ˈtaɪ.ni/	کوچک، ریز			
tongue	/tʌŋ/	زبان			
translate	/trænsˈleɪt/	ترجمه کردن			
translator	/trænsˈleɪ.tə r /	مترجم			
turn off	/tɜ:n ɒf/	خاموش کردن			
twice	/twais/	دوبار			
type	/taɪp/	نوع			
under	/ˈʌn.də r /	زیر			
underline	/ˌʌn.dəˈleɪn/	زیر ... خط کشیدن			
understand	/ˌʌn.dəˈstænd/	فهمیدن، متوجه شدن			
unfortunately	/ʌnˈfɔ:.tʃ ə n.ət.li/	متأسفانه			
usually	/ˈju:.ʒu.ə.li/	معمولاً			
valuable	/ˈvæl.ju.bəl/	بازارزش			
value	/ˈvæl.ju:/	ارزش			
vary	/ˈveə.ri/	تغییر کردن			



36





238. Every country has its own identity, which is very different from that of other countries.

- 1) similar 2) cultural 3) honest 4) generous

239. I'm ready- just give me five minutes to pack my bag and close the door.

- 1) nearly 2) successfully 3) recently 4) fortunately

240. Because he couldn't understand any words of the, he started to use his hands as a means of communication.

- 1) intent 2) amount 3) science 4) language

241. The doctor did everything in his power to her life but she finally died.

- 1) protect 2) save 3) stay 4) start

242. After the flood the only to the small village was by boat.

- 1) manner 2) price 3) access 4) power

243. Choose between the two forms of the verb and the correct answer.

- 1) travel 2) destroy 3) underline 4) explain

244. My speech on the school opening ceremony would be wonderful- I kept on myself.

- 1) reading 2) repeating 3) seeking 4) practicing

245. Last week we invited a famous public to give speech about teacher's day.

- 1) translator 2) speaker 3) researcher 4) driver

246. At least 600 people will their jobs if the company doesn't work.

- 1) lose 2) get 3) circle 4) hear

247. As a parent you try to a safe home environment for your children to grow up in.

- 1) destroy 2) communicate 3) create 4) collect

248. The teacher asked the students to the answers that they thought were correct by a red pencil.

- 1) consider 2) circle 3) add 4) observe

249. I need to my plan for Wednesday. I'm busy tomorrow.

- 1) receive 2) locate 3) rearrange 4) mark

250. Despite the fact that she has never lived in Iran, she can speak Farsi

- 1) culturally 2) fluently 3) completely 4) mentally

251. I wonder how Alice always when there is a lot of work to be done.

- 1) disappears 2) communicates 3) runs 4) orders

252. We've got an hour to get because our flight to London will leave at six o'clock,

- 1) aware 2) ready 3) familiar 4) favorite

253. Of course I'm telling the truth. I just said the first thing that came into my

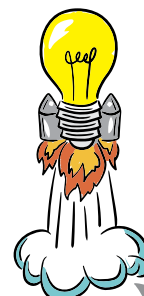
- 1) brain 2) cell 3) mind 4) body

254. If you compare car prices in the two countries, it's quite how different they are.

- 1) comfortable 2) available 3) amazing 4) national

255. She had to between the two men in her life either the rich man but sinister or the poor one but loyal.

- 1) visit 2) vary 3) remember 4) choose



256. The word 'button' has two It means that it has two vowels that separate this word into two parts.

- 1) sentences 2) syllables 3) meanings 4) definitions

257. Most of the old part of the city was destroyed by bombs during the Vietnam war.

- 1) naturally 2) surprisingly 3) completely 4) popularly

258. After finishing school, I'm going to spend a month travelling, in Shiraz and Isfahan.

- 1) suddenly 2) popularly 3) mostly 4) unnaturally

259. In this exercise, children are asked to pictures of wild animals with their babies.

- 1) suggest 2) mention 3) offer 4) match

260. She always speaks so that everyone gets away from her.

- 1) patiently 2) nicely 3) loudly 4) orally

261. If nobody's watching, I'm going to the TV.

- 1) go down 2) turn off 3) take part 4) go out

262. I ask my secretary to all the names of the workers based on the alphabetical order.

- 1) match 2) pronounce 3) list 4) finish

263. We need to raise our awareness about different ways in the of endangered species.

- 1) explanation 2) protection 3) imagination 4) suggestion

264. He tries not to make any hasty decisions before them carefully.

- 1) watching 2) completing 3) considering 4) observing

265. My parents a lot of photographs of us by a camera when we were small.

- 1) bought 2) built 3) took 4) got

266. Looking up a word's spelling and pronunciation in a is one helpful way to learn English.

- 1) dictionary 2) tongue 3) future 4) step

267. He is sort of funny person that when he he sounds like a horse neighing.

- 1) speaks 2) thinks 3) laughs 4) cries

268. His of French grammar is extensive- he knows every point you ask him about.

- 1) ability 2) knowledge 3) action 4) point

269. After staying for two days in one of the Italian villages, we thanked our for his hospitality.

- 1) tourist 2) host 3) visitor 4) guest

270. Do you have any plan for your job? I've heard it's very difficult.

- 1) trip 2) number 3) society 4) interview

271. In order to find a book easily, I put all of them in the bookshelf regularly to their subject.

- 1) throughout 2) according 3) through 4) across

272. We were going to buy a house, but unfortunately the cost of the home has recently

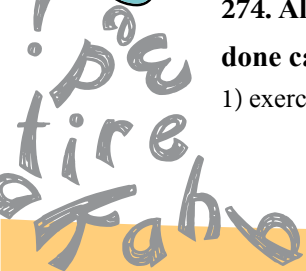
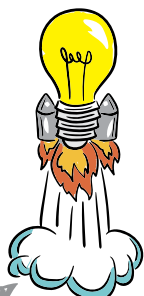
- 1) followed 2) increased 3) lost 4) ranged

273. The hotel we stayed in during our summer vacation to Spain was excellent.

- 1) dangerously 2) generously 3) absolutely 4) naturally

274. Although this is designed to develop the shoulder and back muscles, it should be done carefully.

- 1) exercise 2) practice 3) example 4) instance



besides به غیر از

His real love, **besides** his guitar playing, is songwriting

عشق واقعی‌اش، به غیر از نواختن گیتارش، ترانه سراییست.

mother tongue زبان مادری

He always speaks Persian, but his **mother tongue** is Spanish.

او همیشه فارسی صحبت می کند، اما زبان مادریش اسپانیولی می باشد.

experience تجربه

Do you have any **experience** of working with kids?

آیا هیچ تجربه کار با بچه هارو داری؟

absolutely کاملاً

The hotel we stayed in was **absolutely** excellent

هتلی که ما در اون اقامت داشتیم کاملاً عالی بود.

early اولیه (صفت) زود (قید)

If you finish **early** you can go home.

اگر امروز (کارتو) زود تموم کردی، میتونی بری خونه.

honest صادق

To be **honest** (with you), I don't think it will be possible.

اگه باهات صادق باشم، فکر نکنم این کار ممکن باشه.

point نکته

I'd like to discuss the first **point** in your essay.

تمایل دارم درباره اولین نکته انشای شما بحث کنیم.

means وسیله، روش

We need to find some other **means** of transportation.

ما باید چندین وسیله دیگر حمل و نقل پیدا کنیم.

region منطقه

Fresh fruit from this **region** is sent all over the world.

میوه تازه از این منطقه به سرتاسر جهان فرستاده می شود.

continent قاره

The **continents** make up about 35% of the Earth's crust

قاره ها ۳۵ درصد پوسته زمین را تشکیل می دهند.

exist وجود داشتن

Despite lots of development, poor people still **exists** in the world.

علی رغم پیشرفت های زیاد، هنوز افراد فقیر در جهان وجود دارد.

native بومی، مادری

He lives in Italy, but his **native** language is French

او در ایتالیا زندگی می کند، اما زبان مادریش فرانسویست.

range (from sth to sth) از..... تا..... وجود داشتن، از..... تا..... امتداد داشتن / کشیده شدن

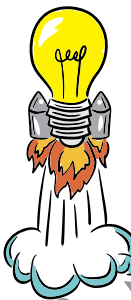
In this shop, dress sizes **range** from small to large.

در این مغازه، اندازه لباسها از کوچک تا بزرگ وجود دارد.

popular محبوب

She's the most **popular** teacher in school.

او محبوب ترین معلم مدرسه است.





در امتحانات یا آزمونهای مختلف، یکی از سوالاتی که در نظر گرفته میشه متون درک مطلب هستش که از اهمیت خاصی برخورداره. یک متنی مربوط به موضوعات درس هایی که خوندين رو در نظر می گیرن و در غالب چند پاراگراف داده میشه و چند سوال پس از اون از شما پرسیده میشه. برای اینکه در خواندن و پاسخ دهی به این متون مهارت کسب کنید، چندین روش وجود داره که یکی از اونها scanning یا خواندن گزینه ای هستش.

Scanning (خواندن گزینه ای):

ما از scanning برای جستجو و پیدا کردن سریع اطلاعاتی مثل اسم، عدد، کلمه یا یک عبارت خاص استفاده می کنیم. وقتی ما متنی را اسکن می کنیم، در واقع به دنبال اطلاعات خاصی هستیم که نیاز به خواندن تک تک کلمات و جملات متن نیست تا اینکه به آن اطلاعات خاص که شامل یک عدد، لغت یا یک عبارت باشد برسیم و آن را در متن پیدا کنیم و زمانی که آن را پیدا کردیم نسبت به آن دقیق تر شویم.

در خواندن گزینه ای از مراحل زیر پیروی کنید.

1. یک تصویر واضح از اطلاعاتی رو که می خواهید اونهارو جستجو کنید در ذهنتون داشته باشید: این موضوع در سوالات مشخص میشه، مثلا از شما تاریخ تولد، اسم یه شخص، کلمه، عبارت یا یه عدد خواسته میشه.
2. پس از اینکه متوجه شدید که می خواین دنبال چه اطلاعاتی بگردین، شروع به جستجوی اونها بکنید.
3. چشمانتون رو روی متن حرکت بدید. نیازی نیست تمامی کلمات رو بخونید فقط حواستون به اون کلمات کلیدی باشه که تو ذهنتون هست. وقتی به اون اطلاعاتی که مدنظرتون هست رسیدید، صبر کنید. جمله اون سطر را بخونید و اون اطلاعاتی که دنبالش بودید رو علامت گذاری کنید. مثلا می تونید دورش یا زیرش خط بکشید.

اکثر سوالاتی که می تونید با کمک scanning بهشون پاسخ بدین در آزمونها به شکل های زیر پرسیده میشن و از شما جزئیات رو می خوان:



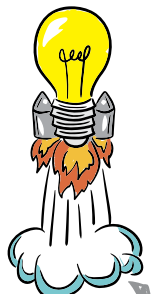
- According to the first paragraph/ second paragraph, which sentence/ statement is NOT true?
- According to the paragraph 1/ 2, which sentence/ statement is NOT true?
- According to the passage, which sentence/ statement is NOT true?
- Which statement/ sentence is NOT true about the passage?
- All of the followings are true EXCEPT



با دیدن چنین سوالاتی با استفاده از scanning می توانید با کمی تمرین به این سوالات در آزمونها پاسخ دهید.

چند نکته مهم:

1. در سوالات بالا که در آزمونها مورد استفاده قرار می گیرن، از بین چهار گزینه، یکی از گزینه ها پاسخ صحیح نیست و یا اصلا در متن وجود نداره به عنوان پاسخ انتخاب می شود. یا سه گزینه صحیح می باشد و یک گزینه در بین آنها ناصحیح است.
2. توجه داشته باشین که همیشه اطلاعات و جملات چهارگزینه ها رو اونطوری که در متن اصلی هست نمیدن و ممکنه هم معنی اون جملات رو بدن که باید به این موضوع توجه کنید.



3 چهار گزینه ای که پس از این سوالات میاد اغلب (نه همیشه) به ترتیب اطلاعاتی که در متن وجود داره قرار می گیرن. یعنی سعی می کنند اطلاعات رو در سوال ها پشت سرهم قرار بدن.

مثال ۱

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person does not understand the language of someone from another region, country or continent. So, it is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Australia.

متن بالا رو در نظر بگیرد. از شما سوال میشه چند تا زبان در جهان وجود داره؟

1. According to the paragraph, how many languages exist in the world?

- 1) 2250 2) 230 3) 7000 4) 1000

۱. گزینه ۳

پس از اینکه سوال رو می خونید متوجه میشین که تعداد زبانهای جهان رو از شما خواسته و شما باید تعداد اونها رو پیدا کنید (مرحله ۱).

پس از دونستن اینکه باید دنبال تعداد زبانهای جهان باشین هدفتون مشخص شده، پس میرین سمت متن و دنبال اون اطلاعات می گردین (مرحله ۲).

به صورت سریع بدون اینکه همه لغات و متن رو بخونید چشمتون رو روی متن حرکت میدین تا به اعداد (اطلاعاتی که دنبالشون هستین) برسین. چون تو این متن چندین عدد وجود داره، وقتی به اعداد رسیدین کمی سرعتتون رو کم می کنید و جملات اون رو دقیق تر می خونین تا به اطلاعات دقیقی که از شما خواسته شده بتونین پاسخ بدین. (مرحله ۳)

► It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world.

2. How many languages are there in Australia?

- 1) 2250 2) 1300 3) 7000 4) 1000

۲. گزینه ۲

در این سوال کلید واژه شما Australia می باشد. پس بدون توجه به لغات و کلمات دیگه دنبال این کلمه کلیدی بگردین. وقتی به این کلمه کلیدی رسیدین، سرعتتون رو کم کنید و اون سطر یا قبل و بعدشو با دقت بخونین تا بتونین به اطلاعات دقیقی که سوال خواسته برسین.

► There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Australia.

3. According to the paragraph there are more than languages in Africa.

- 1) 2000 2) 5500 3) 1000 4) 9500

۳. گزینه ۱

در این سوال کلمه کلیدی شما languages in Africa هستش. پس به سرعت سراغ متن برید و بدون توجه به جملات و کلمات دیگه این کلمه کلیدی رو پیدا کنید. پس از رسیدن به این عبارات کلیدی، سرعتتون رو کم کنید و اون جمله یا سطر را با دقت بخونین تا به پاسخ دقیق برسین.

► There are more than 2000 languages in Africa.



4. Which of the following statements about the paragraph is NOT true?

- 1) Someone from one region does not understand the language of another person from another region.
- 2) There are 1000 languages in America.
- 3) Europe has more than 340 languages.
- 4) There are more than 1300 languages in Australia.

۴. گزینه ۳

طبق این سوال باید یکی از جملات صحیح نباشد. سریع دنبال گزینه ها برین و به کلید واژه از اونها انتخاب کنید. مثلا در گزینه ۱، کلید واژه region را انتخاب کنید و سریع برید سراغ متن. وقتی به region رسیدید سرعتتون رو کم کنید و جمله و سطرشو به دقت بخونید.

They are so different that a person does not understand the language of someone from another region, country or continent.

با خوندن جمله متوجه می شید که براساس متن درسته. پس این گزینه جواب ما نیست. چون ما براساس سوال، باید جمله ای را پیدا کنیم که اطلاعاتش تو متن نیست یا اشتباهه.

در گزینه ۲، کلمه کلیدی America را انتخاب می کنیم و سریع سراغ متن میریم تا به این کلید واژه برسیم.

There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the America.

بر اساس این جمله هم اطلاعات درسته و نمیتونه جواب ما باشه. پس میریم سراغ گزینه بعدی.

در گزینه ۳، کلمه کلیدی ما Europe هستش. سریع دنبال متن میریم تا به این کلید واژه برسیم.

There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the America, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Australia.

در گزینه ۳، نوشته که Europe has more than 340 languages (اروپا بیشتر از ۳۴۰ زبان داره) در حالی که در متن پیدا کردیم و تعداد زبانها در اروپا ۲۳۰ می باشد. در نتیجه این جمله ی گزینه ۳ غلط هستش و این گزینه پاسخ ما خواهد بود. چون به پاسخ رسیدیم نیازی به بررسی گزینه ۴ وجود نداره. اما ما برای تمرین این گزینه رو هم انجام میدیم.

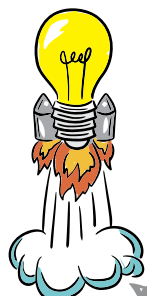
در گزینه ۴، کلید واژه ما Australia هستش. پس بعد از مشخص کردن این کلمه کلیدی، سریع سراغ متن میریم تا اونو پیدا کنیم.

There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the America, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Australia.

چون اطلاعات متن با اطلاعات گزینه ۴ یکی هست پس این گزینه هم پاسخ ما نمیشه. چون ما در این سوال دنبال جمله ای بودیم که اطلاعاتش با اطلاعات متن یکی نباشه. در واقع دنبال اطلاعات نادرست بودیم که در متن وجود نداره.

مثال ۲

Some countries attract a lot of tourists every year. Egypt, one of the oldest countries of Africa, is famous for its wonderful pyramids. France, Italy and Spain are three European countries which attract many tourists from other parts of the world. Brazil, Peru and Chile, in South America, are famous for their ancient



Heritage

پاسخنامه تشریحی تست های گرامر

۱. **گزینه ۱** « الف: "امشب بیا بریم بیرون." ب: "باشه، مقدار کمی پول دارم، حداقل برای رفتن به سینما کافیه." از آنجاییکه کلمه money غیر قابل شمارش می باشد در ابتدا گزینه های ۲ و ۴ را حذف می کنیم چون بعد از many و a few اسم قابل شمارش جمع قرار می گیرد. بین گزینه a little و little که پس از هر دو می تواند اسم غیر قابل شمارش قرار گیرد گزینه a little را انتخاب می کنیم. چون براساس جواب فرد دوم متوجه می شویم که با وجود اینکه پول کمی دارد ولی تا حدی است که بتوانند به سینما بروند و مفهوم مثبتی را می رساند. در حالی که little به معنای مقدار بسیار کم در حدود صفر است و اگر little در جمله بالا قرار می گرفت بدین معنا بود که فرد الف هیچ پولی برای بیرون رفتن نداشت و یا اگر داشت در حدی بود که کافی نباشد.

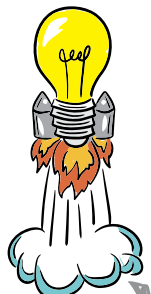
درسنامه

لیستی از اسم های رایج در انگلیسی که می تونن اسم غیر قابل شمارش باشند شامل موارد زیر هستن.

- ۱ اسم هایی که ایده و نظر باشن یا به اصطلاح بهشون اسم های انتزاعی میگن. مثل زیبایی یا شادی
 ● happiness ● beauty ● education ● fun ● health ● honesty ● knowledge
- ۲ اسم های کلی که از اجزای مشابه کوچکتری ساخته شده باشن مثلاً fruit یه اسم کلیه و غیر قابل شمارش. در حالیکه اجزای مشابهش مثل apple قابل شمارشه چون جز زیر مجموعه fruit هستش.
 ● baggage ● fruit ● food ● furniture ● mail ● money
- ۳ مایعات مثل آب
 ● water ● coffee ● tea ● milk ● soup ● blood
- ۴ جامدات مثل یخ یا نان
 ● ice ● bread ● butter ● cheese ● meat ● gold ● silver ● paper
- ۵ گازها مثل اکسیژن
 ● oxygen ● smoke ● air ● nitrogen
- ۶ اسم هایی که از ذرات ریز ساخته شده باشن مثل برنج
 ● rice ● chalk ● dust ● grass ● hair ● salt ● sand ● sugar
- ۷ زبانها
 ● Chinese ● English ● Persian ● Spanish
- ۸ رشته های درسی
 ● history ● mathematics ● physics ● chemistry
- ۹ تفریحات ورزشی مثل فوتبال یا والیبال
 ● baseball ● volleyball ● football ● poker
- ۱۰ پدیده های طبیعی مثل هوا یا مه
 ● weather ● sunshine ● fog ● heat ● rain ● snow ● wind ● light ● fire

۲. **گزینه ۲** « دیوید برای دیدن چند درخت سیب به بالای تپه ای در حاشیه روستا رفت.»

گزینه های ۱ و ۴ را در همان ابتدا حذف می کنیم چون تلفظ تپه یا hill می شود /hɪl/ و چون اولین حرف آن صدادار نمی باشد در نتیجه از حرف تعریف نامعین a استفاده می کنیم تا نشان دهیم آن تپه برای ما ناشناخته است. از سوی دیگر گزینه ۳ نیز نمی تواند پاسخ ما باشد چون زمانی از much استفاده می کنیم که اسم ما غیر قابل شمارش باشد و از آنجاییکه trees اسم قابل شمارش و جمع می باشد باید از many استفاده کنیم.



صورت جمع بیاد.

۵. **گزینه ۲** « پس از تصادف تنها تعداد کمی از مردم برای کمک به فرد زخمی آرام ماندند (خونسردی خود را حفظ کردند). »

کلمه people اسم جمع قابل شمارش و از اسمهای نامنظم هستند که طبق قانون جمع بسته شدن اسمها s و es نمیگیره و اسم مفرد اون کلمه person می باشد. از طرف دیگه در درسنامه هم اشاره کردم که قبل از a few و a little می تونه قید "only" قرار بگیره و از نشانه های استفاده از a few و a little در جمله هستش. گزینه ۱ هم صحیح نیست چون much قبل از اسم های غیر قابل شمارش مورد استفاده قرار می گیره.

۶. **گزینه ۱** « دو ماه است که حقوق نگرفته ام. آیا می توانی مقداری پول به من قرض دهی؟ »

اسم month (ماه سال) قابل شمارش هستش و چون عدد two قبلش اومده پس به صورت جمع باید باشه. پس گزینه های ۲ و ۴ رو رد می کنیم. اما در خصوص جای خالی دوم، چون money اسم غیر قابل شمارش می باشد نمی توانیم از a few استفاده نماییم چون آن را قبل از اسم های قابل شمارش جمع استفاده می کنیم. می ماند گزینه ۱ و some. some هم می تواند قبل از اسم های جمع قابل شمارش و هم قبل از اسم های غیر قابل شمارش مورد استفاده قرار بگیرد. از سوی دیگر یکی از کاربردهای some در جملات سوالی برای درخواست کردن و یا تعارف کردن می باشد که در جمله بالا درخواست می باشد.

۷. **گزینه ۳** « برای چاپ اسناد مهم کاغذ زیادی نداریم. باید مقدار بیشتری بگیریم. »

کلمه paper (ورق) جزو مواد می باشد و برای ساخته شدنش باید مواد باهم ترکیب شوند تا درست شود و اسم غیر قابل شمارش است. پس با این حساب گزینه های ۱ و ۲ را می توانیم حذف کنیم. اما با توجه به معنی جمله و قسمت دوم جمله " باید مقدار بیشتری بگیریم. " باید از much استفاده کنیم. چون اگر از a little استفاده کنیم معنای جمله اول با قسمت دوم نمی خواند. " برای چاپ اسناد مهم کاغذ کمی نداریم. باید مقدار بیشتری بگیریم. "

۸. **گزینه ۳** « دیروز ماشینهای زیادی در خیابان وجود داشت و مردم باید به آهستگی رانندگی می کردند. »

اما ممکن است در اینجا برای برخی سوال پیش بیاید که نقش apple در اینجا چیست که بین many و trees فاصله انداخته است. همانطور که در سال دهم نیز در بخش ترتیب صفت ها خواندید قبل از یک اسم، اسم دیگری که آن اسم را توصیف می کند می تواند مورد استفاده قرار بگیرد که در اینجا apple به عنوان "جنس" درخت و نوع آن به کار رفته است.

۳. **گزینه ۴** « الف: "آیا تا به حال فرانسه رفته ای؟" ب: "بله، چندبار آنجا بودم." »

خیلی ها ممکنه گزینه ۱ رو به عنوان پاسخ انتخاب کرده باشند و تصورشون این باشه که چون time به معنای "زمان" به اسم غیر قابل شمارش هست پس باید قبلش much بیاد. اما اینجا لازمه که به نکته بسیار مهم رو براتون بگم و اونم اینه که اگر برخی از اسم های غیر قابل شمارش رو دیدید که به صورت جمع اومدن به موقع تعجب نکنید. این کار در انگلیسی میتونه اتفاق بیوفته ولی اگر اون اسم به صورت جمع بیاد با یک مفهوم و معنای دیگه خواهد اومد نه معنای اولش. در اینجا کلمه times به معنای "بارها و دفعات" هستش نه مفهوم زمان.

مثال



دستور زبان (غیر قابل شمارش): grammar

He knows **much grammar** about English.



کتاب دستور زبان (قابل شمارش): grammar

an English grammar



ورق (غیر قابل شمارش): paper

much paper: ورق زیاد

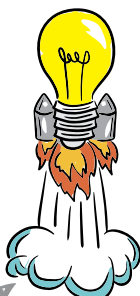


روزنامه (قابل شمارش): paper

some papers: چندتا روزنامه

۴. **گزینه ۳** « شکرمان تمام شده بود و از جک خواستم تا سر راهش دوبسته شکر سفید بگیرد. »

گزینه های ۱ و ۲ رو در همان ابتدا حذف می کنیم چون ترتیب صفت و اسم غلطه. اول باید صفت white قرار بگیره و سپس اسم sugar. و همانطور که می دونید چون اسم های غیر قابل شمارش رو نمیتونیم بشموریم برای اندازه گیری اونها، قبلشون از واحد هایی استفاده می کنیم که خود آنها قابل شمارش هستند و قبل از آنها می توانیم عدد بیاوریم. چون عدد two قبل از کلمه اندازه گیری bag (بسته) اومده پس اون واحد هم باید به





نکته!



از اونجاییکه اسم snow غیر قابل شمارش هست و اسم های غیر قابل شمارش مفرد محسوب میشن پس باید از فعل های مفرد براشون استفاده کنیم.

۱۱. گزینه ۴ «تنها مقدار کمی آب در لیوان وجود دارد. لطفاً به مقدار بیشتر به من بده.»
اولا اسم water غیر قابل شمارش چون آب رو که همیشه دونه دونه شمرد. از طرف دیگه با دیدن only خیلی راحت میشه فهمید که باید از a few یا a little استفاده کرد. چون water غیر قابل شمارش پس باید از a little استفاده کنیم. a few قبل از اسم های قابل شمارش جمع به کار میره.

۱۲. گزینه ۳ «او یک فوتبالیست عالیه چون می تواند برای شوت توپ از هر دوپایش استفاده کند.»
بازیکن فوتبال (football player) قابل شمارش چون انسانه دیگه و انسان رو میشه شمرد. اما چون قبلش از صفت amazing استفاده شده و اولین حرف این صفت صداداره پس باید از an استفاده کنیم. برای پاسخ به گزینه دوم با دیدن کلمه both (هر دو، دوتا) متوجه میشیم که باید از اسم جمع کلمه foot استفاده کنیم. foot اسم قابل شمارش که از قانون جمع شدن پیروی نمیکنه و اسم نامنظمه و اسم جمعش میشه feet.

۱۳. گزینه ۱ «الف: "پنج دلار داری؟" ب: "نه، ندارم، اما دیوید پول زیادی داره."»
با یک نگاه سریع به گزینه ها متوجه می شویم که گزینه ۲ و ۴ کاملاً غلط می باشند و آنها را حذف می کنیم. با دیدن کلمه money و اینکه اسم غیر قابل شمارش است به راحتی متوجه می شویم که باید از a lot of استفاده کنیم چون many زمانی استفاده می شود که اسم قابل شمارش جمع داشته باشیم در حالی که a lot of هم می تواند قبل از اسم قابل شمارش جمع و هم اسم غیر قابل شمارش مورد استفاده قرار بگیرد.

۱۴. گزینه ۳ «بچه هام معمولاً صبح ها دو لیوان شیر می خورن. این باعث میشه سالم بمونن.»
اسم milk مایع و غیر قابل شمارش است درست مانند کلمه water. همانطور که می دانید اسم های غیر قابل شمارش به صورت مفرد می آیند و شکل جمع ندارند. با توجه به این توضیحات میتونیم گزینه های ۲ و ۴ رو حذف کنیم. اما از اونجاییکه این اسم ها قابل شمارش نیستند برای اندازه گیری اونها

همانطور که در بخش درسنامه توضیح داده شد اگر در جمله ای بیش از یک قید استفاده شود و آن قیدها شامل قید حالت، مکان و زمان باشند باید ترتیب قرار گرفتن آنها در جمله را رعایت کنیم. ابتدا باید قید حالت سپس مکان و در نهایت قید زمان آورده شود. البته باید در اینجا این نکته را هم اضافه بکنم که اگر این سه قید در یک جمله باشند می توانیم قید زمان را به اول جمله هم انتقال دهیم. بخش بالا داری دو جمله می باشد که با توجه به توضیحات داده شده ابتدا باید قید مکان in the street سپس قید زمان yesterday آورده شود. اما در خصوص گزینه دوم و جمله دوم باید قید استفاده کنیم نه صفت. کلمه slow صفت می باشد که قید آن می شود slowly.

۹. گزینه ۴ «خوشبختانه مشکلی با سیستم جدید نداریم.»

با دیدن problems که یک اسم قابل شمارش جمع می باشد گزینه ۱ را حذف می کنیم. چون پس از much اسم غیر قابل شمارش به کار می رود. هر سه گزینه ۲ و ۳ و ۴ از لحاظ گرامری می تواند پاسخ ما باشد. اما با توجه به معنای جمله و دیدن قید thankfully (خوشبختانه) متوجه می شویم که باید از تعیین کننده ای استفاده کنیم که نشان دهد که مشکل بسیار کم و در حد صفر وجود دارد و این مفهوم یکی از کاربردهای few به همراه اسم قابل شمارش جمع و little به همراه اسم های غیر قابل شمارش می باشد.

نکته!



هر جا اسمی نشان دهنده امری منفی باشه مثلاً بدبختی، جرم و جنایت، مشکلات و غیره از few و little استفاده کنیم به این مفهوم که از اون مشکلات خیلی کم و در حد صفر وجود داره و مفهوم چنین جملاتی مثبت میشه. چرا؟ چون هر چی بدبختی و مشکلات کم باشه به نفع ماست. چنین جملاتی با وجود اینکه در انگلیسی ظاهر مثبت دارند می توانیم در فارسی آنها را به صورت منفی ترجمه کنیم.

۱۰. گزینه ۳ «در زمستان در آلاسکا برف زیادی روی زمین وجود دارد.»
برای پاسخ دادن به این سوال ابتدا باید پاسخ جای خالی دوم رو بدوینید تا پاسخ جای خالی اول هم مشخص بشه. همونطور که می دونید اسم snow (برف) قابل شمارش نیست. چون همیشه برف رو دونه دونه شمرد. پس کلمه snow رو همیشه جمع بست. در نتیجه گزینه های ۴ و ۱ رو رد می کنیم.



۵۱. گزینه ۳ «اسپانیا کشور زیبایی است. این کشور یکی از کشورهایی است که می خواهیم از آن دیدن کنیم».

درسنامه

نکته؟!

اگر قبل از اسمی تعیین کننده های صفت ملکی، صفات اشاره، و حرف تعریف the بیاید، به آن اسم، اسم شناخته شده (معرفه) می گویند. یعنی برای شنونده، آن اسم شناخته شده می باشد و آن را می شناسد.

- | | |
|---|-----------|
| 1 ▶ my, your, his, her, its, our, their | my book |
| 2 ▶ this, that, these, those | that book |
| 3 ▶ the | the book |

اگر تعیین کننده های کمیت a little, much, some, a few, little, few, many پس از اسمی بیایند که شناخته شده باشد، پس از این تعیین کننده ها of اضافه می گردد.

مثال

Many of my books are in French. بسیاری از کتاب هایم به زبان فرانسوی هستند.

پس از many of اسم قابل شمارش my books آمده و فعل این جمله هم برای مطابقت با اسم قابل شمارش جمع به صورت جمع آمده است.

A few of his friends are rich. تعداد کمی از دوستانش ثروتمند هستند.

پس از a few of اسم قابل شمارش his friends آمده و فعل این جمله برای مطابقت با اسم جمع به صورت جمع آمده است.

One of the students was absent yesterday. دیروز یکی از دانش آموزان غایب بود.

توجه؟!

اگر یادتون باشه پس از one اسم مفرد و قابل شمارش میومد. ولی در اینجا پس از one of اسم قابل شمارش جمع اومده که باید حواستون به این مسئله باشه. ولی فعل این گونه جملات همیشه به صورت مفرد میاد. اگر به جای one of, two/three....of میامد در این صورت فعل هم باید به صورت جمع می آمد.

مثال

Three of the students were absent yesterday.

Some of these story books are interesting. برخی از این کتاب داستان ها جالب هستند.

پس از some of اسم قابل شمارش these story books آمده و فعل این جمله برای مطابقت با اسم جمع به صورت جمع آمده است. البته توجه کنید اگر پس از some of اسم غیر قابل شمارش داشته باشیم فعل به صورت مفرد خواهد آمد.

Much of his advice was helpful. خیلی از نصیحت هایش مفید بودند.

پس از much of اسم غیر قابل شمارش his advice آمده و فعل این جمله هم برای مطابقت با اسم مفرد به صورت مفرد آمده است.

A little of the information was correct. مقدار کمی از آن اطلاعات صحیح بود.

پس از a little of اسم غیر قابل شمارش the information آمده است و فعل این جمله برای مطابقت با اسم مفرد به صورت مفرد آمده است.

۵۷. **گزینه ۳** «من و پدرم ایده های مختلفی داریم. من با بیشتر نظرات او موافق نیستم.»

چون اسم opinions اسم قابل شمارش جمع می باشد و قبل از آن his آن را شناخته شده کرده است پس گزینه های ۲ و ۴ را حذف می کنیم. از طرف دیگر چون few مفهوم منفی دارد و خود جمله نیز منفی می باشد در این جمله نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۵۸. **گزینه ۳** «این غذا خیلی خوشمزه است. فکر می کنی می توانم کمی دیگر سوپ بخورم لطفا؟»

more صفت تفضیلی و به معنای بیشتر می باشد که قبل از اسم غیر قابل شمارش soup آمده است. قبل از صفات تفضیلی می توانیم از تعیین کننده های "some, many, much, a few, a little" استفاده کنیم. پس اگر قبل از اسم های قابل شمارش more آمده باشد می توانیم براساس جمله قبل از آنها از many و a few و اگر قبل از اسم غیر قابل شمارشی، more آمده باشد بر اساس جمله می توانیم much و a few به کار ببریم.

۵۹. **گزینه ۱** «قیمت این کتاب ها چقدر است؟»
از how much زمانی که برای پرسیدن قیمت چیزی استفاده می شود، هم می توانند با اسم های قابل شمارش و هم اسم های غیر قابل شمارش به کار رود.

۶۰. **گزینه ۲** «می خواهی مقدار بیشتری شیر در قهوه ات بریزی؟»

چون milk جزء مایعات است پس اسم غیر قابل شمارش است. پس گزینه ۴ را حذف می کنیم. از طرف دیگر قبل از صفت تفضیلی more در اینجا فقط می توانیم از some استفاده کنیم که به معنای "به مقدار بیشتر" می باشد. تعیین کننده most هم می تواند قبل از اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار رود اما پس از آن نمی توانیم از صفت تفضیلی more استفاده کنیم. از طرف دیگر، جمله پیشنهاد یا تعارف است و در این گونه جملات از some استفاده می کنیم.

۶۱. **گزینه ۴** «تنها تعداد کمی از فیلمهایی که من اخیرا تماشا کرده ام جالب بودند.»

چون قبل از اسم از the استفاده شده پس باید از ترکیبات of دار استفاده کنیم. پس گزینه های ۱ و ۲ در همان ابتدا حذف می شوند. و چون films قابل شمارش و جمع است گزینه ۴ را انتخاب می کنیم. چون پس از much of باید از اسم غیر قابل شمارش استفاده شود.

۵۲. **گزینه ۲** «برخی از مکانهای مورد علاقه من در جهان در آمریکای شمالی واقع شده اند.»

چون places اسم قابل شمارش جمع می باشد، در همان ابتدا گزینه های ۱ و ۳ را حذف می کنیم چون این تعیین کننده ها قبل از اسمهای غیر قابل شمارش به کار می روند. گزینه ۴ را هم رد می کنیم چون درست است که اسم پس از ترکیب one of به صورت جمع می آید اما فعل آن باید به صورت مفرد باشد.

۵۳. **گزینه ۳** «علم ریاضی مطالعه اعداد و شکل ها می باشد که از استدال ها و قوانینی برای سازماندهی آنها استفاده می کند.»

برخی اسمها در ظاهر مثبت به نظر می رسند ولی جزء اسمهای غیر قابل شمارش محسوب می شوند. رشته های درسی و علمی از این گونه مثال ها می باشند که در آخرشان s- دارند. این گونه اسمها چون غیر قابل شمارش و مفرد محسوب می شوند باید با فعل مفرد در جمله به کار روند و چون حقیقت را بیان می کند از زمان حال ساده استفاده می کنیم.

۵۴. **گزینه ۴** «برای انجام تکالیفم به کمکی کمک نیاز دارم. تو وقت داری به من کمک کنی؟»

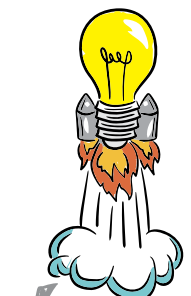
از آنجاییکه help اسم غیر قابل شمارش می باشد باید از تعیین کننده کمیت غیر قابل شمارش a little استفاده کنیم. در گزینه ۲، a lot قید است و صفت کمی محسوب نمی شود.

۵۵. **گزینه ۲** «از وقتی که کار جدیدم را شروع کردم، به نظر می رسد وقت بسیار کمی برای انجام کارهایی که از آنها لذت می برم وجود دارد.»

اسم time به معنای زمان غیر قابل شمارش می باشد و باید قبل از آن از تعیین کننده a little استفاده کنیم. اگر time به معنای "تعداد دفعات" باشد قابل شمارش است. از طرف دیگر ما می توانیم قبل از تعیین کننده های "many, much, little, few" از تشدید کننده very استفاده کنیم. در گزینه ۳، a lot قید است و بعد از فعل مورد استفاده قرار می گیرد.

۵۶. **گزینه ۱** «ما برای اتمام پروژه وقت زیادی داریم بنابراین نیازی نیست نگران چیزی باشی.»

plenty of هم می تواند قبل از اسم های قابل شمارش و هم اسم های غیر قابل شمارش به کار رود. در این سوال time به معنای زمان و غیر قابل شمارش می باشد.



۲۳۴. **گزینه ۳** ▶ بعضی از مربیان رانندگی از کامپیوتر استفاده می‌کنند تا شرایط مختلف جاده را به تعلیم‌گیرندگان آموزش دهند تا تمرین کنند.

(۱) تذکر دهند (۲) بیان کنند

(۳) تمرین کنند (۴) در نظر بگیرند

۲۳۵. **گزینه ۱** ▶ مطمئناً وظیفه اعضای قوی‌تر جامعه کمک به افراد ضعیف است.

(۱) جامعه (۲) بیمارستان

(۳) سفارت (۴) آزمایشگاه

۲۳۶. **گزینه ۳** ▶ پیش از ترک، باید تمام دانش‌آموزان را شمرده تا اطمینان یابیم که همه حضور دارند.

(۱) تصور کردن (۲) توصیف کردن

(۳) شمردن (۴) راهنمایی کردن

۲۳۷. **گزینه ۴** ▶ متأسفانه نمی‌توانم امتحانم را قبول شوم زیرا به طور باور نکردنی سخت بود.

(۱) به صورت فرهنگی (۲) به طور غیرممکنی

(۳) به طور طبیعی (۴) متأسفانه

۲۳۸. **گزینه ۲** ▶ هر کشوری هویت فرهنگی خود را دارد، که بسیار متفاوت از کشورهای دیگر است.

(۱) مشابه (۲) فرهنگی

(۳) صادق (۴) بخشنده

۲۳۹. **گزینه ۱** ▶ من تقریباً آماده‌ام - فقط ۵ دقیقه مهلت دهید تا کیفم را جمع کنم و در را ببندم.

(۱) تقریباً (۲) به طور موفقیت آمیزی

(۳) اخیراً (۴) خوشبختانه

۲۴۰. **گزینه ۴** ▶ از آنجایی که نمی‌توانست هیچ یک از واژه‌های زبان را درک کند، از دستانش به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط استفاده می‌کرد.

(۱) قصد (۲) مقدار

(۳) علم (۴) زبان

۲۴۱. **گزینه ۲** ▶ دکتر هرچه در توانش داشت انجام داد تا جان او را نجات دهد اما در نهایت او مرد.

(۱) محافظت کردن (۲) نجات دادن

(۳) ماندن (۴) شروع کردن

۲۴۲. **گزینه ۳** ▶ بعد از سیل تنها راه دسترسی به روستای کوچک از طریق قایق بود.

(۱) حالت (۲) قیمت

(۳) راه دسترسی (۴) قدرت

۲۲۶. **گزینه ۳** ▶ پلیس‌ها، به این امید که بچه گمشده را بیابند، در جنگل در جستجویش بودند.

(۱) روشن کردن (۲) شایع شدن

(۳) جستجو کردن (۴) وارد شدن

۲۲۷. **گزینه ۳** ▶ هر سال جهانگردان زیادی از موزه‌های بین‌المللی اروپایی بازدید می‌کنند که می‌توانند با اشیاء تاریخی آشنا شوند.

(۱) بیمارستان‌ها (۲) مکان‌ها

(۳) موزه‌ها (۴) سینماها

۲۲۸. **گزینه ۲** ▶ این فیلم بر اساس خاطرات سربازان بزرگی است که جانشان را در جنگ از دست داده‌اند.

(۱) مراقب کردن (۲) بر اساس ... بودن

(۳) درباره ... فکر کردن (۴) به ... اعتقاد داشتن

۲۲۹. **گزینه ۴** ▶ از این شیوه حرف زدنش بدت نمی‌آید که هر حرف بی‌صدا را کاملاً دقیق تلفظ می‌کند.

(۱) نوشتن (۲) تشکیل دادن

(۳) از دست دادن (۴) تلفظ کردن

۲۳۰. **گزینه ۲** ▶ می‌توانید طیف وسیعی از افراد فقیر را در کشورهای اروپایی بیابید که حتی نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را برآورده کنند.

(۱) دوستان (۲) نیازها

(۳) اهداف (۴) خویشاوندان

۲۳۱. **گزینه ۴** ▶ سالانه دانشجویان زیادی با طیف‌های متفاوتی از علاقه وارد دانشگاه‌های دولتی می‌شوند.

(۱) عقاید (۲) وسایل

(۳) نشانه‌ها (۴) طیف‌ها

۲۳۲. **گزینه ۱** ▶ علی رغم هزینه‌های پایین تمام پروازهای داخلی، مسافرت با پروازهای بین‌المللی هزینه زیادی دارد.

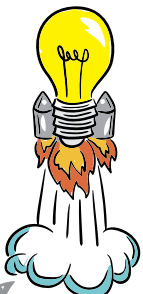
(۱) بین‌المللی (۲) شگفت‌انگیز

(۳) ملی (۴) محبوب

۲۳۳. **گزینه ۲** ▶ هنوز پیش‌بینی زمان دقیق وقوع زلزله غیرممکن است.

(۱) پیشنهاد دادن (۲) پیش‌بینی کردن

(۳) ویران کردن (۴) تسلط یافتن - مهارت یافتن





- شویم زیرا پروازمان به لندن ساعت ۶ خواهد بود.
- (۱) آگاه (۲) آماده
(۳) آشنا (۴) مورد علاقه
- ۲۵۳. گزینه ۳** البته که دارم حقیقت را می گویم. من فقط اولین چیزی که به ذهنم رسید را گفتم.
- (۱) مغز (۲) سلول
(۳) ذهن (۴) بدن
- ۲۵۴. گزینه ۳** اگر قیمت‌های اتومبیل را در دو کشور با هم مقایسه کنیم، نسبتاً شگفت‌انگیز است که چقدر با همدیگر تفاوت دارند.
- (۱) راحت (۲) در دسترس
(۳) شگفت‌انگیز (۴) ملی
- ۲۵۵. گزینه ۴** او مجبور بود میان دو مرد زندگی‌اش یکی را انتخاب کند، مرد ثروتمند اما فاسد یا فقیر اما وفادار.
- (۱) ملاقات کردن (۲) تغییر دادن
(۳) به خاطر آوردن (۴) انتخاب کردن
- ۲۵۶. گزینه ۲** کلمه button دو هجا دارد، یعنی دو حرف صدا دار دارد که این واژه را به دو بخش تقسیم می‌کند.
- (۱) جمله (۲) هجا
(۳) معنا (۴) تعریف
- ۲۵۷. گزینه ۳** بسیاری از بخش‌های قدیمی شهر در طول جنگ ویتنام با بمباران کاملاً ویران شد.
- (۱) طبیعتاً (۲) به طور شگفت‌آور
(۳) کاملاً (۴) به طور مشهور
- ۲۵۸. گزینه ۳** بعد از به پایان رساندن مدرسه، قصد دارم یک ماه را، بیشتر به شیراز و اصفهان، سفر کنم.
- (۱) ناگهان (۲) به طور مشهور
(۳) بیشتر (۴) به طور غیر طبیعی
- ۲۵۹. گزینه ۴** در این تمرین از بچه‌ها می‌خواهند تا تصاویر حیوانات وحشی را با بچه‌هایشان تطبیق دهند.
- (۱) پیشنهاد کردن (۲) بیان کردن
(۳) پیشنهاد دادن (۴) مطابقت دادن
- ۲۶۰. گزینه ۳** او همیشه چنان با صدای بلندی حرف می‌زند که باعث می‌شود همه از او فاصله بگیرند.
- (۱) صبورانه (۲) به زیبایی
(۳) بلند (۴) شفاها

- ۲۴۳. گزینه ۳** بین دو شکل فعل یکی را انتخاب کنید و زیر پاسخ صحیح خط بکشید.
- (۱) سفر کردن (۲) ویران کردن
(۳) زیر چیزی خط کشیدن (۴) توضیح دادن
- ۲۴۴. گزینه ۲** سخنرانی ام درباره جشن گشایش مدرسه شگفت‌انگیز خواهد بود - دائم با خودم تکرار می‌کردم.
- (۱) خواندن (۲) تکرار کردن
(۳) جستجو کردن (۴) تمرین کردن
- ۲۴۵. گزینه ۲** هفته قبل، از سخنران مشهور مردمی دعوت کردیم تا سخنرانی‌ای درباره روز معلم داشته باشد.
- (۱) مترجم (۲) سخنران
(۳) محقق (۴) راننده
- ۲۴۶. گزینه ۱** اگر شرکت کار نکند دست کم ۶۰۰ نفر شغلشان را از دست خواهند داد.
- (۱) از دست دادن (۲) به دست آوردن
(۳) چرخیدن (۴) شنیدن
- ۲۴۷. گزینه ۳** به عنوان والدین سعی می‌کنید تا محیط خانوادگی امنی برای فرزندان‌تان به وجود آورید تا پرورش یابند.
- (۱) خراب کردن (۲) ارتباط برقرار کردن
(۳) به وجود آوردن (۴) جمع کردن
- ۲۴۸. گزینه ۲** معلم از دانش‌آموزان خواست تا دور پاسخ‌هایی که فکر می‌کنند صحیح است با مداد قرمز خط بکشند.
- (۱) بررسی کردن (۲) دور چیزی را خط کشیدن
(۳) اضافه کردن (۴) مشاهده کردن
- ۲۴۹. گزینه ۳** باید برنامه ام را برای روز چهارشنبه دوباره تنظیم کنم. فردا سرم شلوغ است.
- (۱) دریافت کردن (۲) واقع شدن
(۳) باز چیدن - دوبار تنظیم کردن (۴) علامت گذاشتن
- ۲۵۰. گزینه ۲** با وجود این که او هرگز در ایران زندگی نکرده است، می‌تواند به روانی فارسی حرف بزند.
- (۱) به صورت فرهنگی (۲) به روانی - به طور سلیس
(۳) به طور کامل (۴) به صورت ذهنی
- ۲۵۱. گزینه ۱** تعجب می‌کنم زمانی که کار زیادی برای انجام دادن وجود دارد چطور آلیس همیشه ناپدید می‌شود.
- (۱) ناپدید شدن (۲) ارتباط برقرار کردن
(۳) دویدن (۴) سفارش دادن
- ۲۵۲. گزینه ۲** ما یک ساعت مهلت داریم تا آماده





حال کامل (ماضی نقلی) Present Perfect

تعریف زمان حال کامل: زمان حال کامل که در فارسی به اون ماضی نقلی هم گفته میشه، زمانی هستش که در گذشته شروع شده و اثر و نتیجه اون تا زمان حال ادامه داشته باشه. در واقع کاری در گذشته انجام شده و اثرش رو الان بتونیم ببینیم. به احتمال زیاد درک جمله بالا به مقدار براتون مشکل باشه و برای اینکه مفهوم زمان حال کامل براتون روشن بشه لازم می‌دونم که به مقدار با مثال براتون توضیح بدم.

مثال

فرض کنید شما ناهار خوردین و سیر شدین و بعد از خوردن ناهار به خونه دوستتون می‌رید. وقتی شما به خونه دوستتون می‌رسین می‌بینید که اون هنوز ناهار نخورده و داره آماده میشه که غذا بخوره. اون مشغول خوردن غذا میشه و به شما تعارف میکنه که بفرمایید غذا بخورین. شما که تازه غذا خوردین و سیر هستین و میلی به غذا خوردن ندارید می‌گین "ممنون، من غذا خورده‌ام." جمله "من غذا خورده‌ام" به جمله زمان حال کامل (ماضی نقلی) هستش، اما مفهومش چیه؟ مفهومش اینه که من چند ساعت پیش غذا خوردم و سیر شدم و الان میلی به خوردن غذا ندارم. حالا اینجا خوردن غذا کاریه که در گذشته انجام شده یعنی از مدت زمان انجامش مدتی گذشته اما اثر و نتیشش که همون "سیرشدن" تا الان باقی مونده.

► I **have eaten** my meal.

من غذا خورده‌ام.

مثال

تام دنبال کلیدش می‌گرده و نمی‌تونه اونو پیدا کنه. "او کلیدش را گم کرده است." این جمله حال کامل مفهومش اینه که تام چند ساعت یا چند دقیقه پیش کلیدشو گم کرده (کاری که در گذشته اتفاق افتاده) و اثرش یعنی "پیدا نشدن" تا الان ادامه داره.

► Tom **has lost** his key.

تام کلیدش را گم کرده است.

نحوه ساختن (ساختار) زمان حال کامل در انگلیسی

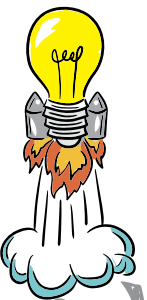
برای ساختن زمان حال کامل در جملات انگلیسی از الگوی زیر استفاده می‌شود.

(قسمت سوم فعل) **have/has + past participle** + فاعل

نکته!؟

قسمت سوم فعل همان اسم مفعول فعل اصلی می‌باشد که در اینجا برای یادگیری آسانتر از آن استفاده می‌شود.

زمانی که فاعل جمله سوم شخص مفرد نباشد از ضمایر فاعلی (**I, you, we, they**) و فعل کمکی **have** برای ساختن زمان حال کامل استفاده می‌کنیم.





CLOZE TEST1

Many researchers today believe that there is a simple way to increase longevity that means to live longer. Education, it seems, not only opens our minds, but also (301) our longevity. Researchers found that people with 9 years of school education had a lower chance of (302) Because they know that smoking is (303) for their health. Education can also (304) people from getting Alzheimer's disease. Scientific studies show that people who exercise their brains regularly will have good brain health. Older people who have (305) activities such as playing chess, solving puzzles and etc, live longer and have a less risk of getting Alzheimer, brain illness,.

- | | | | |
|-------------------|------------|-------------|--------------|
| 301 ► 1) measures | 2) prays | 3) improves | 4) decrease |
| 302 ► 1) to die | 2) die | 3) died | 4) dying |
| 303 ► 1) special | 2) harmful | 3) balanced | 4) emotional |
| 304 ► 1) enjoy | 2) prevent | 3) check | 4) attack |
| 305 ► 1) mental | 2) healthy | 3) physical | 4) social |



CLOZE TEST2

Having a healthy (306) can help you live longer. Many people do a lot of different things to have a healthier life. One of the main (307) that prevent people from getting cancer is to have a healthy and (308) diet. A healthy diet is one that includes enough levels of vitamins, protein, and healthy fat from different foods. An unhealthy diet, in contrast, is one that contains too much harmful fat, cholesterol, sugar and some unhealthy ingredients or contains too (309) nutrients (healthy materials). By eating unhealthy diet people (310) weight and they may develop some health problems.

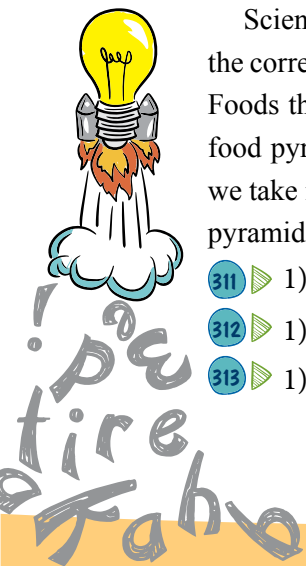
- | | | | |
|--------------------|--------------|--------------|--------------|
| 306 ► 1) serving | 2) addiction | 3) emotion | 4) lifestyle |
| 307 ► 1) pressures | 2) details | 3) factors | 4) lines |
| 308 ► 1) calm | 2) balanced | 3) depressed | 4) fresh |
| 309 ► 1) much | 2) lots of | 3) few | 4) little |
| 310 ► 1) predict | 2) identify | 3) exercise | 4) gain |



CLOZE TEST3

Scientists designed food pyramid to (311) healthy eating easier. Healthy eating is about getting the correct amount of nutrients – protein, fat, carbohydrates, vitamins you need to have good (312) Foods that contain the (313) type of nutrients are grouped together on each of the shelves of the food pyramid. This helps you to choose different foods from a healthy (314) Studies show that we take in too many calories from foods and drinks high in fat, sugar and salt, on the top shelf of the food pyramid (315). these is essential for healthy eating.

- | | | | |
|--------------------|-----------|------------|-------------|
| 311 ► 1) pack | 2) range | 3) make | 4) weave |
| 312 ► 1) serving | 2) health | 3) emotion | 4) action |
| 313 ► 1) emotional | 2) same | 3) harmful | 4) physical |



- | | | | |
|-----------------|--------------|-------------|-----------|
| 314 ► 1) diet | 2) addiction | 3) pressure | 4) member |
| 315 ► 1) Limits | 2) Limited | 3) Limiting | 4) Limit |



CLOZE TEST4

The environment in which people live (316) their health. The air that we breathe, the water that we drink, and our ability to enjoy (317) things are all important to quality of life. Air and water quality the houses in which people live, and the parks and green space all play role in an individual's health (318) People living near (319) sites may have to deal with pollution in the air, water or grounds that can cause health problems. (320) may have limited access to parks and recreational sites.

- | | | | |
|--------------------|--------------|---------------|-------------|
| 316 ► 1) influence | 2) retire | 3) join | 4) confuse |
| 317 ► 1) to do | 2) do | 3) did | 4) doing |
| 318 ► 1) reality | 2) condition | 3) disorder | 4) creation |
| 319 ► 1) industry | 2) emotional | 3) industrial | 4) emotion |
| 320 ► 1) He | 2) She | 3) You | 4) They |



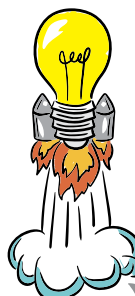
READING 1

A balanced diet is one that gives your body the healthy materials it needs to function correctly. In order to get the proper nutrition from your diet, you should obtain the majority of your daily calories from fresh fruits, vegetables and proteins.

The number of calories in a food is a measurement of the amount of energy stored in that food. Your body uses calories from food for walking, thinking, breathing, and other important activities. The average person needs to eat about 2,000 calories every day to keep their weight. However, a person's specific daily calorie intake (amount) can vary depending on their age, gender, and physical activity level. Men generally need more calories than women, and people who exercise need more calories than people who don't.

A balanced diet is important because your organs and cells need proper nutrition to work effectively. Without good nutrition, your body will get disease, infection, tiredness, and it will have a poor performance. Children with a poor diet run the risk of growth and developmental problems and bad eating habits can continue for the rest of their lives. Being fat and getting some diseases like diabetes in America are main examples of the effects of a poor diet and a lack of exercise. Heart disease and cancer are two of important causes of death in the United States that are directly influenced by diet.

- 321 ► The passage is mainly about
- | | |
|--|---|
| 1) amount of calories you should use daily | 2) importance of a balanced diet in your life |
| 3) main causes of death in the United States | 4) men who use more calories than women |
- 322 ► The word "obtain" in the first paragraph is closest in meaning to
- | | | | |
|------------|------------|----------|--------|
| 1) produce | 2) imagine | 3) spend | 4) get |
|------------|------------|----------|--------|
- 323 ► According to paragraph 2, which sentence is NOT true?
- 1) Amount of energy which is available in food is called calorie.



330 ► According to the passage, which sentence is NOT true?

- 1) Heartbeat under 40 is not considered normal and it may be harmful to your health.
- 2) Only age and physical activities are important factors that can influence heartbeats.
- 3) When your heartbeat varies it means that your body is going to change the body temperature.
- 4) In cold weather body save temperature by reducing heartbeats.



READING 3

Humans are born with the ability to laugh, and laughter acts as a universal language across all cultures. Some people believe that it can actually improve your health like a strong medicine. It draws people together in ways that create healthy, physical and emotional changes in the body.

Laughter makes your immune system stronger, increases your happiness, diminishes pain, and protects you from the damaging effects of stress. As children, we laughed hundreds of times a day, but when we grow older, life becomes more serious and we rarely laugh. By seeking more opportunities for humor and laughter, you can improve your emotional health, strengthen your relationships, find greater happiness and even add years to your life.

We change physiologically when we laugh. We stretch muscles throughout our face and body, our pulse and blood pressure go up, and we breathe faster, sending more oxygen to our cells. People who believe in the benefits of laughter say it can be like an exercise. The effects of laughter and exercise are very similar. Mixing laughter with movement, like waving your arms, is a great way to increase your heartbeat. Laughter also seems to burn calories. A study showed that 10-15 minutes of laughter burns 50 calories.

331 ► The best title for the passage is

- | | |
|--------------------------|-------------------------|
| 1) Physiological Changes | 2) Strong Immune System |
| 3) Benefits of Laughter | 4) Ability to Laugh |

332 ► According to the passage, which statement is true about laughing?

- 1) Laughter makes your life become more serious because you are busy.
- 2) It makes children happier than adults.
- 3) Laughter makes your relationships stronger with others.
- 4) By laughing you will gain weight.

333 ► The pronoun "it" in paragraph 3 refers to

- | | | | |
|-------------|-------------|-----------|-------------|
| 1) laughter | 2) exercise | 3) people | 4) movement |
|-------------|-------------|-----------|-------------|

334 ► The word "diminish" in the second paragraph is closest in meaning to

- | | | | |
|--------------|----------------|-------------|--------------|
| 1) increases | 2) appreciates | 3) reflects | 4) decreases |
|--------------|----------------|-------------|--------------|

335 ► According to the last paragraph, which statement is NOT a physiological change?

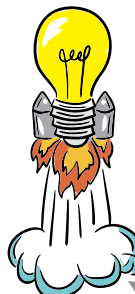
- | | |
|-------------------------------------|---|
| 1) Stretching your body's muscles. | 2) Increasing blood pressure and pulse. |
| 3) Improving your emotional health. | 4) Breathing faster than normal. |



READING 4

Everyone makes both good and bad lifestyle choices. You may make the choices you do because of learned habits, stress, and tiredness. To live a healthy lifestyle you need to have a special diet, exercise each week, get enough rest and avoid products that can lead to unhealthy habits.

Following a special diet which is rich in vitamins and healthy materials will help your body work properly. Eat from each group of food pyramid to make sure you are not missing anything. If you don't



Herit
haki

۲۸۷. **گزینه ۳** این یک گفته معروف و متداول است

که شنا کردن یکی از بهترین شکل های ورزش است.

(۱) جدی (۲) میانگین

(۳) متداول - رایج (۴) سالم

۲۸۸. **گزینه ۲** من از شرایطی که در آنها احتمال دارد

یک سخنرانی مهم انجام دهم اجتناب می کنم.

(۱) توسعه دادن (۲) اجتناب کردن

(۳) رشد کردن (۴) اصرار کردن

۲۸۹. **گزینه ۱** بدون اینکه وارد جزئیات بشویم من

می توانم به شما بگویم که ما سال بسیار موفقی داشتیم.

(۱) جزئیات (۲) رویدادها

(۳) شرایط (۴) تأثیرات

۲۹۰. **گزینه ۴** در مورد هر چیزی احساساتی نباش!

(۱) تیزهوش (۲) ملی

(۳) مستقیم (۴) احساساتی - عاطفی

۲۹۱. **گزینه ۴** اگر بچه ها سالم باشند حدود هجده

ماهگی یاد می گیرند که راه بروند.

(۱) اعتیادآور (۲) ویژه، خاص

(۳) پیچیده (۴) سالم

۲۹۲. **گزینه ۴** اکنون ما آنقدر به کامپیوترها وابسته

هستیم که تصور اینکه امروزه وسایل بدون آنها چه شکلی بودند

بسیار دشوار است.

(۱) مخالفت کردن (۲) مقایسه کردن

(۳) تعریف کردن (۴) تصور کردن

۲۹۳. **گزینه ۳** دانشمندان بر این باورند که فعالیت

های جسمانی مخصوصا کوهنوردی و شنا موجب سلامتی می

شوند.

(۱) رسمی (۲) واقعی

(۳) جسمانی (۴) روستایی

۲۹۴. **گزینه ۲** تشعشع بسیار زیاد برای بدن مضر

است.

(۱) قدرتمند (۲) مضر

(۳) سودمند (۴) دقیق

۲۹۵. **گزینه ۳** من و جان پس از فارغ التحصیل شدن

از دانشگاه بهترین دوستان یکدیگر شدیم، و او با رفتارش مرا

عمیقا تحت تأثیر قرار داد.

(۱) درگیر کردن (۲) بهبود دادن

(۳) تحت تأثیر قرار دادن (۴) نصیحت کردن

۲۹۶. **گزینه ۳** من تجربه خوبی از آن شغل که سال ها

انجامش دادم کسب کردم.

(۱) دربرگرفتن (۲) حدس زدن

(۳) کسب کردن (۴) راهنمایی کردن

۲۹۷. **گزینه ۲** علی به یک شرکت چینی منتقل شد و

مأموریتش توضیح دادن اهداف ما برای آنها بود.

(۱) رؤیا (۲) مأموریت

(۳) الگو (۴) پیشنهاد

۲۹۸. **گزینه ۳** این دارو از بدتر شدن بیماری

جلوگیری می کند.

(۱) تقویت کردن (۲) واکنش نشان دادن

(۳) جلوگیری کردن (۴) توسعه دادن

۲۹۹. **گزینه ۱** اگر ایرانی ها مصرف غذاهای دارای

نمک و شکر را کمتر کنند سلامت عمومی آنها بهتر خواهد شد.

(۱) عمومی (۲) مادی

(۳) معدنی (۴) رسمی

۳۰۰. **گزینه ۱** مردم همیشه از محصولات طبیعی

بعنوان دارو استفاده می کنند.

(۱) طبیعی (۲) عاطفی

(۳) عادی (۴) خصوصی

کلوز تست ۱

امروزه بسیاری از محققان بر این باورند که روش ساده ای

برای افزایش طول عمر یافته اند که به معنای طولانی زندگی

کردن می باشد. تحصیل، به نظر می رسد، نه تنها ذهنمان را باز

کند، بلکه طول عمرمان را نیز (۳۰۱) بهبود می بخشد. محققان

دریافتند که افراد با ۹ سال تحصیل در مدرسه شانس (۳۰۲)

مرگ کمتری دارند. چون آنها می دانند که سیگار کشیدن برای

سلامتی شان (۳۰۳) مضر می باشد. تحصیل همچنین می تواند

از دچار شدن به بیماری آلزایمر افراد (۳۰۴) جلوگیری کند.

مطالعات علمی نشان می دهد که افرادی که به طور منظم

مغزشان را تمرین می دهند سلامت مغزی خوبی خواهند داشت.

افراد پیری که فعالیت های (۳۰۵) ذهنی از قبیل بازی شطرنج،

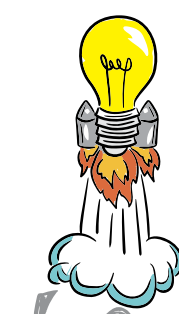
حل پازل (معما) و غیره دارند بیشتر زنده می مانند و خطر

گرفتن آلزایمر که نوعی بیماری مغزی است در آنها کمتر است.

۳۰۱. **گزینه ۳**

(۱) اندازه گیری کردن (۲) دعا کردن

(۳) بهبود بخشیدن (۴) کاهش دادن





۳.۳ **گزینه 4** پس از حرف اضافه (of) اگر قرار باشد فعل بیاید آن فعل به صورت اسم مصدر می آید.

۳.۳ **گزینه 2** (۱) ویژه (۲) مضر (۳) متعادل (۴) عاطفی

۳.۳ **گزینه 2** (۱) لذت بردن (۲) جلوگیری کردن (۳) بررسی کردن (۴) حمله کردن

۳.۵ **گزینه 1** (۱) ذهنی (۲) سالم (۳) جسمی (۴) اجتماعی

کلوز تست 2



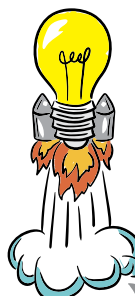
با داشتن یک (۳۰۶) **سبک زندگی** سالم می توانید طولانی تر زندگی کنید. بسیاری از مردم کارهای مختلف زیادی انجام می دهند تا زندگی سالم تری داشته باشند. یکی از (۳۰۷) **عوامل** اصلی که از سرطان جلوگیری می کند داشتن یک رژیم غذایی سالم و (۳۰۸) **متعادل** می باشد. یک رژیم غذایی سالم رژیمی است که سطوح کافی از ویتامین ها، پروتئین ها، و چربی سالم از انواع غذاها را در بر بگیرد. در مقابل، یک رژیم غذایی ناسالم رژیمی است که دارای چربی بسیار زیاد، کلسترول، شکر و مقدار مواد غیر سالم یا شامل مواد مغذی بسیار (۳۰۹) **ناچیزی** باشد. با خوردن رژیم غذایی ناسالم افراد (۳۱۰) **چاق** می شوند و ممکن است دچار برخی از مشکلات سلامت شوند.

۳.۶ **گزینه 4** (۱) پرس (۲) اعتیاد (۳) عاطفه (۴) سبک زندگی

۳.۷ **گزینه 3** (۱) فشار (۲) جزئیات (۳) عوامل (۴) خطوط

۳.۸ **گزینه 2** (۱) آرام (۲) متعادل (۳) افسرده (۴) تازه

۳.۹ **گزینه 3** nutrients (مواد مغذی) یک اسم قابل شمارش جمع می باشد. پس گزینه های ۱ و ۴ حذف می شوند چون آنها قبل از اسم های غیر قابل شمارش قرار می گیرند. اما بر اساس معنای جمله نمی توانیم از lots of استفاده کنیم. چون رژیم غذایی ناسالم نمی تواند دارای مواد مغذی



زیادی باشد.

۳۱۰ **گزینه 4** (۱) پیش بینی کردن (۲) شناسایی کردن (۳) ورزش کردن (۴) چاق شدن (با کلمه weight)

کلوز تست 3



دانشمندان هرم غذایی را برای اینکه خوردن سالم را آسانتر (۳۱۱) **سازد** طراحی نمودند. خوردن غذای سالم دریافت صحیح مقدار مواد مغذی پروتئین، چربی، کربوهیدراتها، و ویتامین هایی است که شما برای داشتن (۳۱۲) **سلامتی** مناسب به آن نیاز دارید. غذاهایی که شامل انواع (۳۱۳) **یکسانی** از مواد مغذی می باشند در قفسه های (سطوح) هرم غذایی گروه بندی می شوند. این گروه بندی کمک می کند تا غذاهای مختلف را از یک (۳۱۴) **رژیم غذایی** سالم انتخاب کنید. مطالعات نشان می دهد که ما از مواد سطح بالایی هرم غذایی از غذاها و نوشیدنی هایی که دارای چربی، نمک هستند کالری زیادی دریافت می کنیم. (۳۱۵) **محدود کردن** این گونه مواد برای خوردن سالم ضروری می باشد.

۳۱۱ **گزینه 3** (۱) بسته بندی کردن (۲) امتداد داشتن (۳) ساختن (۴) بافتن

۳۱۲ **گزینه 2** (۱) پرس (۲) سلامت (۳) عاطفه (۴) عمل

۳۱۳ **گزینه 2** (۱) عاطفی (۲) یکسان (۳) مضر (۴) جسمی

۳۱۴ **گزینه 1** (۱) رژیم غذایی (۲) اعتیاد (۳) فشار (۴) عضو

۳۱۵ **گزینه 3** اگر فعلی بخواهد به عنوان فاعل جمله قرار بگیرد و در ابتدای آن بیاید باید به صورت اسم مصدر باشد.

کلوز تست 4



محیطی که در آن مردم زندگی می کنند سلامتی آنها را (۳۱۶) **تحت تاثیر قرار می دهد**. هوایی که تنفس می کنیم، آبی که می نوشیم، و تواناییمان برای لذت بردن از (۳۱۷) **انجام** کارها همگی برای کیفیت زندگی مهم می باشند. کیفیت هوا و آب، خانه هایی

غذایی ضعیف بچه ها خطر مشکلات رشدی خواهند داشت و عادت های بد غذاخوردن در مابقی زندگی آنها ادامه خواهد داشت. چاق شدن و گرفتن بیماریهایی مثل دیابت در آمریکا از نمونه های اصلی تاثیرات رژیم غذایی ضعیف (نامناسب) و کمبود ورزش می باشد. بیماریهای قلبی و سرطان هم از دو علت اصلی مرگ در ایالات متحده می باشد که مستقیماً تحت تاثیر رژیم غذایی می باشد.

۳۳۱ گزینه ۲

این متن عمدتاً درباره

- (۱) مقدار کالری که شما روزانه مصرف می کنید.
- (۲) اهمیت رژیم غذایی متعادل در زندگی تان می باشد.
- (۳) دلایل اصلی مرگ در ایالات متحده می باشد.
- (۴) مردانی که بیشتر از زنان کالری مصرف می کنند می باشد.

۳۳۲ گزینه ۴

کلمه "obtain" در پاراگراف اول از لحاظ معنایی به نزدیکترین می باشد.

- (۱) تولید کردن
- (۲) تصور کردن
- (۳) مصرف کردن
- (۴) به دست آوردن

۳۳۳ گزینه ۲

بر طبق پاراگراف ۲ ، کدام جمله صحیح نمی باشد؟

- (۱) مقدار انرژی موجود در غذا کالری نامیده می شود.
- (۲) تمام افراد شامل مردان و زنان روزانه به ۲۰۰۰ کالری نیاز دارند.
- (۳) برای فکر کردن، نفس کشیدن و راه رفتن باید کالری مصرف کنیم.
- (۴) مصرف کالری براساس فعالیت ها از فردی به فرد دیگر متفاوت می باشد.

۳۳۴ گزینه ۲

کلمه "it" در پاراگراف ۳ به اشاره دارد.

- (۱) بیماری
- (۲) بدنتان
- (۳) خستگی
- (۴) رژیم غذایی متعادل

۳۳۵ گزینه ۳

تمامی جملات در پاراگراف ۳ به غیر از صحیح می باشد.

- (۱) یک رژیم غذایی متعادل به کارکرد صحیح اندامها و سلولها کمک می کند.
- (۲) خستگی و عملکرد ضعیف از نتایج یک رژیم غذایی نامناسب می باشند.
- (۳) با غذاهای مغذی مناسب، بچه ها مشکلات رشدی خواهند داشت.

که مردم در آن زندگی می کنند، پارک ها و فضاهای سبز همگی در (۳۱۸) شرایط سلامت افراد نقش بازی می کنند. افرادی که در نزدیکی مکانهای (۳۱۹) صنعتی زندگی می کنند ممکن است با آلودگی هوا، آب و خاک دست و پنجه نرم کنند (سروکار داشته باشند) که منجر به مشکلات سلامت شود. (۳۲۰) آنها ممکن است دسترسی محدود به پارک ها و مکان های تفریحی داشته باشند.

۳۱۶ گزینه ۱

(۱) تحت تاثیر قرار دادن

(۲) بازنشست شدن

(۳) ملحق شدن

(۴) گنج شدن

۳۱۷ گزینه ۴ پس از ترکیب فعل enjoy doing something از اسم مصدر استفاده می کنیم.

۳۱۸ گزینه ۲

(۱) واقعیت

(۲) شرایط

(۳) اختلال

(۴) ایجاد

۳۱۹ گزینه ۳ قبل از اسم sites باید از یک صفت استفاده کنیم و بر اساس معنا industrial را انتخاب می کنیم.

۳۲۰ گزینه ۴ ضمیر فاعلی They به عبارت اسمی people living near industrial sites اشاره می کند و چون سوم شخص جمع می باشد از they استفاده می کنیم.

درک مطلب ۱

یک رژیم غذایی متعادل رژیمی است که تمام مواد سالمی که بدن شما برای کارکرد صحیح نیاز دارد فراهم می کند. برای کسب مواد مغذی مناسب از رژیم غذایی تان، باید اکثر کالری روزانه خود را از میوه های تازه، سبزیجات و پروتئین ها بدست بیاورید.

تعداد کالری های غذا اندازه گیری مقدار انرژی ذخیره شده در آن غذا می باشد. بدن شما کالری های غذا را برای راه رفتن، نفس کشیدن و فعالیت های مهم دیگر استفاده می کند. یک فرد معمولی برای حفظ وزنش باید روزانه ۲۰۰۰ کالری بخورد. با این وجود، مصرف کالری روزانه ویژه هر فرد بر اساس سن، جنسیت و سطح فعالیت های جسمی تغییر می کند. عموماً مردها کالری بیشتری از زن ها نیاز دارند و افرادی که ورزش می کنند از افرادی که ورزش نمی کنند کالری بیشتری نیاز دارند.

رژیم غذایی متعادل به خاطر عملکرد موثرتر اندامها و سلولها و نیاز آنها به مواد مغذی مناسب دارای اهمیت می باشد. بدون مواد مغذی مناسب، بدن شما دچار بیماری، عفونت و خستگی خواهد شد و بدنتان عملکرد ضعیفی خواهد داشت. با یک رژیم

